1649 E

مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌ها

کار

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم ـ شماره ۶۵

چهارشنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه ـ قیمت ۲۰ ریال

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت ۸ تیر روز شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

فدائی شهید رفیق حمید اشرف

- تجربه تاریخی ۲۸ مرداد پیش روی ماست. ما باید درک کنیم که حفظ دستاوردهای قیام برای بسیج و تشکل طبقه کارگر دارای چه اهمیت اساسی است
- چگونه است که امروز همه آنان که سالها رژیم شاه را سازشکارانه تحمل می‌کردند به مقامات رسیده‌اند و عنوان انقلابی بر خود نهاده‌اند. لیکن قهرمانانی‌که در شکنجه‌گاه‌های دژخیمان، در راه استقلال و آزادی میهن خود سر از تسلیم گردانیده و جان باخته‌اند، این چنین مورد اهانت‌فرارمی‌گیرند؟

در صفحه ۱

نخستین قطعنامه مجلس: منشور جنگ برادرکشی درکردستان

مجلس شورای اسلامی ایران، در نخستین قطعنامه خود که از جانب عده‌ای از نمایندگان مجلس تنظیم شده بود، مواضع جنگ طلبانه‌ای در باره کردستان اتخاذ کرد.

در بند ۴ این قطعنامه چنین گفته شده است:

از هرگونه مذاکره و مصالحه با گروههای ضد انقلاب و هرگونه آتش بس جدا خود داری شود.

در این بند، عدم اطلاع تنظیم کنندگان قطعنامه از موقعیت و وضعیت کردستان و خطراتی که در سراسر میهن، انقلاب مردم ما را تهدید می‌کند، بطور آشکاری به چشم می‌خورد.

تنظیم کنندگان این قطعنامه، نه تنها بی اطلاعی محض خود را از اوضاع سیاسی‌کشور آشکار ساخته‌اند، بلکه با صدور چنین قطعنامه‌ای نشان می‌دهند که نسبت به مصالح مردم ایران تا چه پایه بی اعتنا بوده و فاقد احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انقلاب مردم ما هستند.

نمایندگان مجلس، در قطعنامه خود، نیروهای انقلابی اصیل کردستان را ضدانقلاب خوانده و در مقابل مواضع صلح طلبانه آنان و مشخصا سازمان ما، به اعلام مواضع جنگ طلبانه‌ای که ۱۶ ماه است در خدمت تخریب دستاوردهای انقلاب قرار دارد تاکید ورزیده‌اند.

سازمان ما، مسئولیت تمامی عواقبی را که اتخاذ چنین سیاست‌های جنگ طلبانه و غیر مسئولانه‌ای بر سرنوشت مبارزات مردم ما بر جای می‌گذارد شخصا بر عهده جمهوری اسلامی ایران می‌داند و خود را موظف می‌شناسد که برای استقرار صلح عادلانه در کردستان همچنان به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه دهد.

بقیه در صفحه ۲

موضع و سیاست جناح های دولت ایران در برابر مخالفان دولت افغانستان

در صفحه ۷

اعدام فدائی خلق دکتر "نریمی سا" پزشک فداکار مردم خوزستان، توسط دادگاه انقلاب اسلامی اهواز

لکه ننگ دیگری بر دامن جمهوری اسلامی

در صفحه ۳

در این شماره:

حزب توده: حل رفرمیستی و بوروکراتیک مسأله ارضی — در صفحه ۲

«بحران در تولید و ادارهٔ صنعت نفت» — در صفحه ۶

چه کسانی مبارزه ضدامپریالیستی را پیش می‌برند: شوراها یا عدیران؟ — در صفحه ۱۶

چگونه می‌توان گرانی را مهار کرد؟ — در صفحه ۱۶

بکوشیم تا با استقرار صلح درکردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۴۵ ـ صفحه ۲

سانسور و تحریف

مذاکرات نمایندگان سازمان با آیت‌الله بهشتی

در مذاکره نمایندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با آقای بهشتی اینان تمام مذاکرات را روی نوار ضبط کرد. اما بجای انتشار متن مذاکرات که قطعاً از روی جمهوری اسلامی را وزوشت تنها نسخه آن که بزد آقای بهشتی بود آنگار شد که این اقدام را محکوم کرد و نبی از سخنان نمایندگان سازمان با نومی مستکری خاص حذف و تحریف شده است.

سازمان با این عمل زا طی یادداشت زیر، مورخ دوم شهریور خود که برای روزنامه جمهوری اسلامی و روزوشت آن را برای اطلاعات فرستاد این اقدام را محکوم کرد و خواستار انتشار متن کامل مذاکرات شد.

چگونه افکار مردم به انحراف کشیده می‌شود؟

مدیر محترم روزنامه جمهوری اسلامی!

در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه دوم تیر ماه شماره ۳۰۶، مباحثه و گفتگوی دو تن از گادر مرکزی سازمان با دکتر بهشتی تحت عنوان «متن کامل گفت و شنود دکتر بهشتی با رهبران چریکهای فدائی خلق» درج گردیده است.

این گفتگو بر خلاف آنچه که ادعا شده، بطور کامل به چاپ نرسیده و بیش از نیمی از متن این گفتگو که بر روی دو حلقه نوار ۶۰ دقیقه‌ای ضبط‌شده بود، ـ سانسور و حذف شده و متن ناقص و سانسور شده را تحت عنوان «متن کامل ...» انتشار داده‌اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مسئولین روزنامه می‌خواهد برطبق قانون مطبوعات توضیحات و پرسش ما از مسئولین آن روزنامه و آقای بهشتی و پاسخ صریح و روشن به سئوالات ما را که از جانب شما و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی داده خواهد شد، در همان صفحات با همان تیتر درج گردد.

سازمان قبل از مذاکرات، کتبا به دبیر کل حزب جمهوری‌اسلامی اطلاع داده بود که انتشار صورت مذاکرات از نظر سازمان بلامانع است. اما با سانسور بیش از نیمی از مذاکرات ضبط شده و اعلام آن تحت عنوان صورت کامل مذاکرات، ناشرین‌آن در جهت منافع خاص خود و به منظور بهره‌برداری‌های خاص سیاسی اقدام کرده‌اند. سازمان با صدر محکوم کردن این‌روش غیر اخلاقی از مسئولین آن روزنامه و از دبیر کل حزب جمهوری اسلامی آقای بهشتی می‌خواهد که موضع خود را در برابر مسایل زیر برای آگاهی‌عموم ملت ایران اعلام نمایند:

۱ـ مسئولین روزنامه باید توضیح دهند که آیا خود به سانسور متن اقدام کرده‌اند یا متن سانسور شده در اختیار آنان قرار گرفته است؟ و در این صورت آیا از سانسور آن اطلاع داشته‌اند یا نه؟

۲ـ تاسیسته است آقای بهشتی که نیمی از مذاکرات دوساعته را به موضوع اعتماد سقابل و صداقت در عمل اختصاص داده‌اند توضیح دهند که چرا و به چه منظور به انتشار نیمی از صورت مذاکرات اقدام کرده‌اند؟ و آیا این توضیحات را در همان جراید که صورت مذاکرات را انتشار داده‌اند، انتشار خواهند داد.

۳ـ آقای بهشتی چنانچه واقعا تاسیسته است دو حلقه نوار مذاکرات را در اختیار رادیو ـ تلویزیون و مطبوعات قرار دهند تا مردم از متن واقعا کامل صحبت‌ها مطلع شوند و مطالب به جهت بهره‌برداری این یا آن گروه سیاسی خاص‌عملکرد پیدا نکند.

۴ـ صرفنظر از موافقت یا عدم موافقت رادیو و تلویزیون با پخش نوارها، روزنامه‌هائی که متن سانسور شده‌صحبت را انتشار داده‌اند طبق قانون مطبوعات ملزم به انتشار متن کامل آن می‌باشند.

سازمان چریکهای فدائی خلق‌ایران
۲ تیرماه ۱۳۵۹

روزنامه جمهوری اسلامی ضمن اشاره به یادداشت سازمان نوشت که متن نوار در دست وی نیست و او از متن چاپ شده در محله جوانان استفاده کرده است. و بدین لحاظ مسئولیت کامل بودن آن را برعهده نمی‌گیرد!

به اعتقاد ما این دلیل روزنامه جمهوری غیر قابل قبول است. زیرا نمی‌توان پذیرفت آقای بهشتی که‌در سمت دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی است، قبل از آنکه نوار مذاکرات را در اختیار شورای مرکزی حزب و ارگان آن که همین روزنامه جمهوری اسلامی است قرار دهد، آن نوارها را در اختیار محله جوانان بگذارد.

نخستین قطعنامه مجلس:
منشور جنگ برادرکشی در کردستان

قطعنامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی که به‌مقابله با هرگونه حقوق فومی و ملی خلق‌ها تاکید دارد، از یک سو بر ضرورت نیروهای ناسیونالیست در رهبری جنبش خلق کرد و تاکید یک جانبه آنها بر حقوق ملی، از سوی دیگر سازوبه ملی خلق کرد را به درگیری با گاکمیت کشانده است. باید امروز این مساله را درگرکرد و با اتخاذ مواضع صحیح، بحران کردستان را از طریق مذاکره و مسالمت حل نمود.

امروز انقلابیون کمونیست و همه نیروهای اصیل و انقلابی کردستان بر این نکته تاکید دارند که کسانی که بدون توجه به مرحله انقلاب ایران، تامین حقوق ملی را امتداد دارند که جامعه اثر گرانبها در مرحله کنونی طرح می‌کند آگاهانه و یا ناآگاهانه از تشدید خصومت علی‌حساب می‌کنند.

ما به عنوان نیروئی که در پراتیک مبارزه ملی در کردستان نقش فعالی داشته‌ایم همچگاه فراموش نمی‌کنیم که همواره این رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران بوده‌اند که شیرها و روسپاهای کردستان را بسازان کرده و هزاران سر از مردم کردستان را به‌سپاه‌ت گشوده‌وظیفه خود را تکرار این واقعیات بی‌دانیم بلکه بیشتر از آن بابد با ریشه‌یابی علل، عمل موضع خود را در برابر آن روشن نماییم. ادامه وگسترش جنگ در کردستان بازتاب‌های منفی و زیان‌باری بر مردم و نیروهای مترقی و دموکرات کردستان خواهد گذاشت که ما آن را برگشتن مواضع خود را تکرار می‌کنیم.

ما با تمام قوا خواستار پایان دادن به این جنگ برادرکشی هستیم و از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد. ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد. ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۱

در کردستان به تبلیغات مخرب و نفاق‌افکنانه خود همچنان ادامه می‌دهند و سیاست صلح نیروهای انقلابی و مترقی‌خواه در کردستان را مورد‌حمله قرار می‌دهند و در مجلس شورای اسلامی رای به عدم مذاکره با نیروهای سیاسی کردستان می‌دهند.

صدانقلاب امروز از این موضع‌گیری سر از هر زبان دیگر به نفع مقاصد خود استفاده می‌کند.

مسئولین جمهوری اسلامی باید درک نماید که دسال کردن راه حل نظامی در کردستان هر آنکه گرانبار ناسیونالیستی و حتی بورژوازی در میان‌مردم را دامن زند. بر دیگری ندارد. باید امتداد دارد که هر دم اثر گرانبها در مبارزه ملی بوجود نبود. خطر انحراف بیشتر خواهد شد و بر آسانی‌هضمی زمینه مادی است که ضد انقلاب از هر راه دیگر در کردستان فعالتر گرد. آمده است. طبق اطلاعات موثق اکنون برای به بانگاه انقلابی ضد انقلاب در منطقه بسیج شده‌اند. زیرم فاشیستی بعث عراق، آنگاه بسیار گسترده‌ای را در طرح امپریالیست امریکا در اختیار آنها قرار می‌دهد. از جمله این واقعیات بی‌دانیم بلکه بیشتر از آن باید با ریشه‌یابی علل، عمل موضع خود را در برابر آن روشن نماییم. ادامه وگسترش جنگ در کردستان بازتاب‌های منفی و زیان‌باری بر مردم و نیروهای مترقی و دموکرات کردستان خواهد گذاشت که ما آن را برگشتن مواضع خود را تکرار می‌کنیم.

ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد. ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

گسترده‌ترا در کردستان آغاز کرده‌اند. برای این نیروها جنگ همان سنری است که با ثبت تقویت و رشد آنها می‌گردد. آنروز شکه چنین نیروهائی در کردستان فعال گشته و هویت مبارزه مادلانه حلق کرد را با خطر جدی‌روبرو ساخته است. سیاست‌جنگ طلبانه به تشدید خصومت علی میان خلق‌های‌ایران انجامیده و اتحاد انقلابی وبرقبوداه در صفوف نیروهای مترقی کردستان را موانعی می‌یابند و در مجلس شورای اسلامی رای به عدم مذاکره با نیروهای سیاسی کرد می‌دهند.

صدانقلاب امروز از این موضع‌گیری سر از هر زبان دیگر به نفع مقاصد خود استفاده می‌کند.

مسئولین جمهوری اسلامی باید درک نماید که دسال کردن راه حل نظامی در کردستان هر آنکه گرانبار ناسیونالیستی و حتی بورژوازی در میان‌مردم را دامن زند. بر دیگری ندارد. باید امتداد دارد که هر دم اثر گرانبها در مبارزه ملی بوجود نبود. خطر انحراف بیشتر خواهد شد و بر آسانی‌هضمی زمینه مادی است که ضد انقلاب از هر راه دیگر در کردستان فعالتر گرد. آمده است. طبق اطلاعات موثق اکنون برای به بانگاه انقلابی ضد انقلاب در منطقه بسیج شده‌اند. زیرم فاشیستی بعث عراق، آنگاه بسیار گسترده‌ای را در طرح امپریالیست امریکا در اختیار آنها قرار می‌دهد. از جمله این واقعیات بی‌دانیم بلکه بیشتر از آن باید با ریشه‌یابی علل، عمل موضع خود را در برابر آن روشن نماییم. ادامه وگسترش جنگ در کردستان بازتاب‌های منفی و زیان‌باری بر مردم و نیروهای مترقی و دموکرات کردستان خواهد گذاشت که ما آن را برگشتن مواضع خود را تکرار می‌کنیم.

ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد. ما معتقدیم که تنها راه حل مسالمت‌آمیز و سیاسی است که می‌تواند به این جنگ خاتمه دهد. ما از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهیم کرد.

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۳
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کار

نخستین قطعنامه مجلس: بقیه از صفحه ۲

منشور جنگ برادرکشی ...

جنگ آورد و حفظ نماید. انقلابیون کمونیست وظیفه دارند برای رسیدن به چنین مصالحه‌ای در کردستان با تمام نیرو کوشش کنند. در این راه باید هم با ناسیونالیسم تنگ نظر کرد و هم با سیاست‌های جنگ طلبانه هیئت حاکمه مبارزه نمود. دولت جمهوری اسلامی ایران باید بداند که برای‌ارتش در کردستان پیروزی نظامی وجود ندارد و ادامه این سیاست بدون شک برای جنبش فاجعه‌آمیز خواهد بود. اکنون از جانب ما و برخی نیروهای مسئول در کردستان تلاش‌های همه جانبه‌ای به خاطر برقراری صلح در کردستان آغاز شده این تلاش‌ها باید مورد پشتیبانی جدی قرار گیرد. در حالی که با سیاست گسترش جنگ آب به آسیاب ضد انقلاب در کردستان می‌ریزد و آتشها را هر چه بیشتر تقویت می‌نماید. که قطعنامه تعدادی از نمایندگان مجلس که هر گونه مذاکره را محکوم ساخته‌اند نمونه گویائی از این سیاست است. چنین قطعنامه‌هائی همراه با اعدام بهترین فرزندان خلق کرد و ادامه تهاجم ارتش به شهرها و روستاها ... دقیقا همان فضایی را ایجاد می‌کند که ضدانقلاب خواستار آن است بدین جهت برای استقرار صلح عادلانه در کردستان اعلام کرده‌ایم اگر دولت خواهان ادامه جنگ برادر کشی در کردستان نیست. اعلام آتش بس کند، به محاصره اقتصادی پایان بخشد و با نمایندگان خلق کرد بر مبنای طرح ۶ ماده‌ای وارد مذاکره شود. ما مسئولیت تداوم صلح در کردستان را می‌پذیریم و همه قدرت رزمندگی خلق کرد و پیشمرگان انقلابی آن را تا آنجا که در توان داریم، در جهت متلاشی کردن شگفتهای ایادی رژیم عراق و امپریالیسم آمریکا سازمان خواهیم داد.

اعتقاد داریم که برقراری صلح در کردستان میدان عمل ناسیونالیسم تنگ نظر کردی را محدود ساخته و نیروهای ملی را از خطر انحراف جدی می‌دهد صلح‌وحدت از دست رفته میان خلق کرد و سایر خلق‌های ایران را تامین نموده و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران را توان می‌بخشد. و ریشه نیروهای ضدانقلاب در کردستان را نابود می‌نماید این وظیفه همه کسانی است که نگران سرنوشت انقلاب ایران‌اند و اعتقاد دارند که باید تمامی تفنگ‌ها و قلم‌ها را به سوی دشمن اصلی خلق‌های جهان یعنی امپریالیسم جنایتکار امریکا نشانه رفت و ما به سهم خود در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهیم نمود.

اعدام فدائی خلق دکتر "نریمی‌سا"

پزشک فداکار مردم خوزستان، توسط دادگاه انقلاب اسلامی اهواز لکه ننگ دیگری بر دامن جمهوری اسلامی است

سحرگاه روز ۶ تیر ماه ۵۹ رفیق فدائی نریمی‌سا همراه با دو رفیق مبارز دیگر مهدی علوی شوشتری و منوچهر جعفری به جوخه اعدام رژیم جمهوری‌اسلامی سپرده شدند طی ۱۶ ماه اخیر در زیر یوشش مبارزه با ضد انقلاب دهها رفیق فدائی و مدافعین آرمان طبقه کارگر را به جرم آن که زندگی خویش را وقف آگاهی و بهبودی و پیروزی زحمتکشان ایران کرده بودند به جوخه اعدام سپرده اند. این اعدام‌های جنایتکارانه ضربات بی‌شماری به انقلاب شکوهمند خلق‌های ایران وارد آورده است. این جنایات نفرت تمامی مردمی را که قلبشان برای ایرانی آزاد و دمکراتیک می‌طپد برانگیخته است. خلاصه‌ای که حکم اعدام شهید فدائی دکتر نریمی‌سا و رفقا علوی شوشتری و منوچهر جعفری را صادر کرده‌اند هرگز نخواهد توانست از خشم عادلانه خلق کبیر ایران بگریزند. مردم آگاه میهنمان هرگز چنین جنایاتی را که زیر پوشش دفاع از اسلام صورت می‌گیرد نخواهند بخشید. مردم ایران هیچگاه ترور بی‌ثمرانه فرزندان دلیر خلق ترکمن توماج و همرزمانش اعدام فداکاران خلق دکتر رشوند، کرجی بیاتی، سلیمانی، سرشکاری‌ها و ... دکتر نریمی‌سا را فراموش نخواهند کرد.

فدایی خلق، شهید دکتر نریمی‌سا افتخار پزشکان آگاه و مبارز ایران و افتخار همه کسانی است که در راه ایرانی مستقل و دمکراتیک، ایرانی که در آن از ظلم و ستم و از بیکاری و گرسنگی و جهل اثری نباشد، مبارزه می‌کنند.

رفیق فدائی شهید دکتر اسماعیل نریمی‌سا که در سال ۱۳۲۴ در هفتگل متولد شده بود از همان آغاز زندگی با زندگی زحمتکشان هفتگل آشنا شد. در همان دوران نوجوانی به‌علت شرایط طاقت فرسای زندگی به بیماری سل مبتلا شد و در بیمارستان سرخه حصار به مدت دوسال بستری بود. او پس از بهبودی مصمم شد که در پایان تحصیلات دبیرستانی خود تحصیلات پزشکی را برگزیند و بدین ترتیب‌هرچه بیشتر در خدمت زحمتکشان خوزستان گامی در جهت آرمان‌خود بردارد. او در سال ۱۳۴۴ به دانشکده پزشکی اهواز راه یافت و در عین حال تحت آموزگاری را پیشه کرد. نریمی‌سا پس از اتمام دانشکده پزشکی خدمات پزشکی خود را از شهر سوسنگرد آغاز کرد.

او در طول مبارزات انقلابی مردم علیه رژیم شاه فعالانه در صف پزشکان انقلابی بیمارستان‌ها به مبارزه برخاست. رفیق پس از قیام بهمن ماه به اهواز آمد و تمام نیرو و انرژی خود را در راه رفاه زحمتکشان فارس و عرب در خوزستان به کار برد. او در جریان حادثه سیل خوزستان با شرکت در اکیپ‌های پزشکی اعزامی از سوی‌سازمان ما با تلاش بیگیر شبانه روزی خود، نمونه کاملی از صمیمانه‌ترین و پر شورترین فداکاری‌ها را در راه زحمتکشان به یادگار گذاشت.

رفیق در بعد از ظهر دوم اردیبهشت ماه سال جاری در محل کار خود "بیمارستان دانشگاه اهواز" دستگیر و به اتهامات ساختگی‌توسط دادگاهی صحی محکوم به اعدام شد. پس از صدور حکم جنایتکارانه "دادگاه انقلاب" اهواز و پس از تحویل جنازه شهید به خانواده او آثار جراحات بر پیکر مهوش رفیق از جمله آثار جاقو بر پهلو و پیشانی حاکی از اعمال جنایتی است که به دست قاتلان رفیق صورت گرفته است. رفیق حتی در واپسین لحظات زندگی زحمتکشان میهن خود را فراموش نکرد. از جیب رفیق وصیت‌نامه‌ای به دست آمده که در آن سفارش کرده بود مبلغ ۵۸۰ تومان یعنی تمام دارائی‌اش به فقیرترین و محروم‌ترین مردم خوزستان هدیه شود. اکنون موج اعتراض از سوی جامعه پزشکی خوزستان و سراسر ایران نسبت به این جنایت هولناک برخاسته است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به همراه زحمتکشان عرب و فارس خوزستان و تمامی مردم آگاه و مبارز خواهان افشای عاملین این جنایات است

سازمان ما همچنین اعتراض و انزجار همه مردم آگاه و رزمنده ایران را از اعدام انقلابیون کردستان رفقای فدائی و پیشتاگم در سنندج که اخیرا صورت گرفته است، اعلام می‌دارد.

خاطره‌فدائی شهید دکتر اسماعیل نریمی‌سا، پزشک فداکار مردم خوزستان و رفقا شوشتری و منوچهری و دیگر شهیدان خلق همیشه گرامی باد.

اطلاعیه بخشی از ...

بقیه از صفحه ۱۶

شکوفائی آرمان‌مقدس پیشتگامان جنبش انقلابی ایران در شرایطی ممکن و حتمی است که حزب طبقه کارگر بتواند با مسلح شدن به اصولی‌ترین قوانین دانش طبقاتی و پراتیک مشخص مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و توده‌های وسیع زحمتکشان را علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکای جهانخوار و ارتجاع داخلی تا کسب استقلال اقتصادی ـ سیاسی ـ فرهنگی و نهایتا پیروزی انقلاب سوسیالیستی را رهبری نماید.

سازمان بر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران در طول ۱۰ سال نبرد روبارویی با دژخیمان مزدور و عاملین سرکوب نظام وابسته به امپریالیسم جهانی صدها فدائی قهرمان و بهترین فرزندان خلق را از دست داده است.

به ویژه ماه تیر یکی از خونبارترین و آموزنده‌ترین مشخصات تاریخ جنبش نوین وطنمان می‌باشد. در این ماه ۳۵ فدائی جان برکف با آرمان مقدس رهائی طبقه کارگر در نبردهای خیابانی و خانه‌های تیمی، در کشتگاه‌ها، در میدان‌های اعدام‌تا واپسین دم حیات بر افتخارشان در برابر دشمنان خلق استوار و با پرچای مقاومت نمودند تا امتلا؛ و عمق‌یافتن آرمانشان، در پروسه تکامل پاینده مبارزات خونین فروغ پاکی خدشه ناپذیرتان برچم رزم

• بقیه در صفحه ۱۴

کمکهای مالی دریافت شده

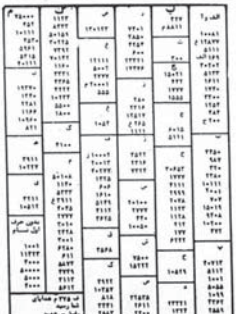

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۴

"حزب توده":

حل رفرمیستی و بورکراتیک مسأله ارضی

روزنامه "مردم" در شماره سه شنبه ۲۰ خرداد مقاله‌ای با عنوان "آماده‌باش دهقانان شهیدست (بی زمین و کم زمین) آماده اجرای قانون اصلاحات ارضی باشید"، چاپ کرده است که در آن رهنمودهائی در قبال قانون اصلاحات ارضی و دولت و اجرای آن ارائه می‌کند. این مقاله در واقع اصول ناظر بر حل مساله ارضی در ایران را از نظرگاه "حزب توده" بیان می‌دارد و یک بار دیگر به وضوح نشان می‌دهد که نویسندگان آن چگونه در لفافه کلمات آراسته اقدامات رفرمیستی و بورکراتیک مطلوب خود را به عنوان راه حل انقلابی مساله ارضی وانمود می‌سازند و به این ترتیب عملا در مقابل مبارزات مردم قرار می‌گیرند و با تمام قوا تلاش می‌کنند تا سطح مبارزات آنها را تا حد توان و ظرفیت مورد پسند دولت پائین بیاورند. ما در شماره‌های قبلی نشریه "کار" عملکرد "حزب توده" را در زمینه مسایل کارگری تا حدی شکافیدیم. مقاله "آماده باش..." همان گرایشات را در زمینه مسایل روستایی نیز نشان می‌دهد.

عنوان مقاله، "آماده باش دهقانان شهیدست ... آماده اجرای قانون اصلاحات ارضی باشید!" (تاکید از ماست) از همان آغاز گرایش به حل بورکراتیک مساله ارضی را نشان می‌دهد. "حزب توده" با انتخاب این عنوان و در سراسر مقاله در واقع به زحمتکشان روستا توصیه می‌کند که برای حل مساله ارضی منتظر اقدامات هیئت حاکمه و اجرای قوانین از بالا باشند. "آماده‌باش" "حزب" در واقع هشداری است به روستائیان زحمتکش که دست از مبارزه مستقل برای مصادره زمین‌ها و تشکیل شوراهای واقعیشان بکشند، بر نیروی خود متکی نباشند، از اقدامات انقلابی خودداری کنند و حل مسائلشان را به هیئت حاکمه واگذار نمایند. این لب و لباب پیام "حزب توده" به زحمتکشان روستاست.

ایدئولوگهای "حزب" با زیرکی ماهیت دمکراتیک جنبش دهقانی کنونی و خصلت عمیقا توده‌ای و رادیکال آن را لاپوشانی می‌کنند و چنین وانمود می‌سازند که گویا مساله تنها شرکت نمایندگان دهقانان در هیئت‌های ۷ نفره و آن هم به شیوه‌ای بوروکراتیک است. در حالی که دهقانان خود خواهان اداره امور روستاها توسط شوراهای واقعی‌شان هستند. در حالی که شعار کنترل امر کاشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی توسط شوراهای واقعی زحمتکشان روستا مدتهاست که از درون مبارزات روستایی بیرون جوشیده است. در حالی که دهقانان و زحمتکشان روستا بارها در حرکات انقلابی‌شان بیان کرده‌اند که هرگونه هیئت و ارگانی که خواهد به مسائل روستاها و از جمله تقسیم اراضی رسیدگی کند می‌باید از دل شوراهای روستایی بجوشد، در حالی که زحمتکشان روستا در برابر تردید هیئت حاکمه در حل ریشه‌ای مسایل روستایی با تکیه بر انرژی و خلاقیت انقلابی خود و از طریق اقدامات مستقیم انقلابی‌شان میزان رشد دمکراتیک در جنبش دهقانی را به وضوح به نمایش می‌گذارند... سردمداران "حزب توده" تمام توان خود را در خدمت تنزل شعارها و سطح مبارزاتی روستائیان انقلابی قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند مساله ارضی در همکاری روستائیان با ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی محدود کنند. آنها به روستائیان می‌گویند:

"دهقانان بی زمین و کم زمین لازمست دو تن نماینده برای شرکت در هیئت اجرای قانون از بین دهقانان بی زمین و کم زمین تعیین شود تا با تائید حاکم شرع به عضویت هیئت در آید."

(تاکید از ماست)

معنای این جمله پر طمطراق جز این نیست که دهقانان می‌بایست اقدام مستقیم انقلابی خود و تکیه بر شوراهای دهقانی در حل مسائل روستاها و از جمله مساله تقسیم اراضی را تا حد شرکت در هیئت‌های دولتی که از بالا و به شیوه‌ای بوروکراتیک منصوب شده‌اند پائین بیاورند. از دیدگاه "حزب توده" روستائیان نباید خواستار آن باشند که هیئت‌های ۷ نفره" و یا "کمیسون ۵ نفری" ستقیما توسط خودشان انتخاب شوند، یا حداقل اکثریت اعضای آنها را نمایندگان مستقیم خود روستائیان تشکیل دهند و اقدامات و عملکردهای آنها توسط شوراهای دهقانی مورد بازرسی قرار گیرد. بوروکرات منش‌های "حزب توده" را همین بس که در هر هیئت ۷ نفری دو تن از نمایندگان دهقانان، آن هم با تائید بالا یعنی "حاکم شرع" صرفا شرکت داشته باشند و اگر در کمیسون ۵ نفره‌ای که می‌بایست بر اجرای اصلاحات ارضی در سراسر ایران نظارت داشته باشد حتی یک تن از نمایندگان دهقانان شرکت هم ندارد، از نظر آقایان "توده‌ای" هیچ اشکالی پیش نمی‌آید. توده‌ای‌ها معتقدند و با تمام وجود معتقدند که اعمال قدرت انقلابی توده‌ها از تکیه بر ارگان‌های حکومتی و یاری رساندن به آنها فراتر نمی‌رود. در قاموس "حزب توده" زحمتکشان میهن ما، و در این مورد بخصوص روستائیان حداکثر می‌توانند به عنوان مشاور مقامات و مسئولین ملکتی وارد محاسبات شوند و بیش از این از نظر آنها یعنی تضعیف حاکمیت کنونی و کمک به ضد انقلاب: دهقانان "آماده باشید به مسئولان دولتی و نهادهای انقلابی برای اجرای هر چه سریعتر و بهتر و قاطعتر اصلاحات ارضی کمک کنید". مسائل، خواست‌ها و دشواری‌های خود را با نمایندگان جهاد سازندگی و پاسداران انقلابی در میان بگذارید، تا شمار برای شرکت در هیئت مزبور راهنمایی کنند. این نهادهای انقلابی در اکثر نقاط حامی و یاور دهقانان بی زمین و کم زمین بوده‌اند. خط هم به آنها تکیه کنید و به آنها برای اجرای درست و قاطع قانون یاری رسانید".

چنین است که "حزب توده" در برابر توده‌ها می‌ایستد و خواهان متوقف ساختن سازماندهی و تجهیز این مبارزات و سایر اقدامات انقلابی دهقانان می‌شود.

چنین است که "حزب توده" ماهیت دمکراتیک جنبش دهقانی را آگاهانه به کناری می‌نهد و به تبع نگرش عمومی خود، آن را به زائده اقدامات رسمی بدل می‌سازد.

در شرایط کنونی میهن، اتکاء بر انرژی توده‌ها در روستا به معنای آن است که تمام توان خود را در جهت سازماندهی حرکات خود انگیخته دهقانی قرار دهیم و آن را در مسیر و سوی متناسب با مبارزات ضدامپریالیستی از دیدگاه طبقه کارگر پیش ببریم. وظیفه و هنر ما این است که ماهیت انقلابی ـ دمکراتیک جنبش دهقانی را بار نمائیم، آن را به مردم بشناسانیم و با تمام قوا از این جنبش حمایت کنیم.

وظیفه و هنر ما در این است که بتوانیم متکی بر قدرت انقلابی توده‌ها، جنبش دهقانان را به عنوان یک کل علیه زمینداری بزرگ پیش ببریم و اینگار را به گونه‌ای پیش ببریم که شرایط برای شکوفائی هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی در روستا فراهم آید. به عبارت دیگر انقلابیون کمونیست متناسب با ماهیت دوگانه این جنبش، وظیفه دو گانه‌ای را در برابر خود قرار می‌دهند:

حمایت کامل از اقدامات انقلابی زحمتکشان روستا به منظور مصادره زمین، تشکیل شورا و هر عمل انقلابی ـ دمکراتیک دیگر از یک سو و گسترش عناصر مبارزه طبقاتی در روستا و پیشروی به سمت تشکل کارگران کشاورزی و دهقانان کم زمین حول حزب مستقل و سراسری پرولتاریا از سوی دیگر. این است آنچه که لنین آموزگار بزرگ کارگران جهان در برخورد با جنبش دهقانی به ما می‌آموزد:

"ما باید از قیام دهقانی به هر طریق، منجمله از طریق پشتیبانی از مصادره اراضی حمایت کنیم. و این به هیچ وجه به معنای پشتیبانی از هرگونه طرح خرده‌بورژوایی نیست. تا آن حد که جنبش دهقانان جنبه انقلابی دمکراتیک دارد، از آن پشتیبانی می‌کنیم. ولی وقتی که به میزانی که این جنبش جنبه ارتجاعی و ضد پرولتری به خود بگیرد برای مبارزه علیه آن آماده می‌شویم (همین حالا وبی‌درنگ آماده می‌شویم) تمام جوهر مارکسیسم در این وظیفه دوگانه نهفته است و به سادگی و ابتدال کشیدن و یا خلاصه کردن آن در یک وظیفه‌واحد و بسیط تنها از عهده کسانی ساخته است که مارکسیسم را درک نمی‌کنند."

(برخورد سوسیال دمکرات‌ها به جنبش دهقانی)

چنین است اصول ناظر بر جنبش‌های دهقانی از نظرگاه لنین:

"سازماندهی حزب مستقل پرولتاریا که از میان تمامی خیزش‌ها و دگرگونی‌های دمکراتیک

بقیه در صفحه ۱۵

ایدئولوگهای "حزب" با زیرکی ماهیت دمکراتیک جنبش دهقانی کنونی و خصلت عمیقا توده‌ای و رادیکال آن را لاپوشانی می‌کنند و چنین وانمود می‌سازند که گویا مساله تنها شرکت نمایندگان دهقانان در هیئت‌های ۷ نفره و آن هم به شیوه‌ای بوروکراتیک است. در حالی که دهقانان خود خواهان اداره امور روستاها توسط شوراهای واقعی‌شان هستند. در حالی که شعار کنترل امر کاشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی توسط شوراهای واقعی زحمتکشان روستا مدتهاست که از درون مبارزات روستایی بیرون جوشیده است.

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۵

سیاست آموزش و پرورش در اخراج معلمین مبارز درخدمت چه کسانی است؟

جامعه معلمین ایران بخش قابل ملاحظه‌ای از توده‌های زحمتکش میهن ما را تشکیل می‌دهند. معلمان میهن ما وظیفه آموزش و پرورش میلیون‌ها دانش‌آموز را بر دوش دارند و به این جهت نقش آنان در روشنگری این ذخیره عظیم انسانی می‌تواند اثرات قاطعی در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک مردم ایران داشته باشد. چنانکه نقش معلمان و دانش‌آموزان در دوران طوفانی پیش از قیام گواه بر این امر است ولی سیاستی که پس از استقرار جمهوری اسلامی از طریق مسئولین بر سراسر آموزش و پرورش ایران حاکم شده‌است، جو اختناق، تفتیش عقاید، اخراج، تصفیه، اذیت و آزار معلمان بوده است.

در این مدت ما شاهد احضار معلمین مترقی به ادارات آموزش و پرورش و استنطاق درباره مرام آنان شیوه تدریس و مسائل مطروحه در سر کلاس درس و دفتر مدرسه و غیره بوده‌ایم همچنین ما شاهد اخراج معلمین پیشرو و مبارز در اراک، ترکمن‌صحرا، بندر عباس، تهران، تبریز و سایر نقاط ایران و حتی شاهد ترور چند معلم از سوی دسته‌های "فالانژ" و اعدام معلم پیشگام و انقلابی "هرمز گرجی بیانی" توط رژیم جمهوری اسلامی بوده‌ایم.

اکنون نیز مسئولین آموزش وپرورش در پی ادامه و گسترش سیاست‌های نفاق افکنانه خویش بوده و ما شاهد دستور انحلال کامل آموزش و پرورش استان کردستان و اخراج معلمین مبارز آن هستیم. حتی آنان دست به‌اخراج معلمان آینده میهنمان از مراکز تربیت معلم از جمله اخراج نزدیک به ۵۰ نفر از دانشجویان "مرکز تربیت معلم پسران تهران" زده‌اند.

مسئولین آموزش و پرورش که از روشنگری توده‌های دانش‌آموز وحشت دارند با جلوگیری‌از برخورد عقاید و از اشاعه آگاهی و شکوفائی دانش علمی دانش آموزان خواه نا خواه با اعمال خود به جز شکاف در درون صفوف خلق، به جز ایجاد جو بدبینی و هموار کردن راه امپریالیسم راه به جائی نخواهند برد.

سند زیر نمونه‌ای از صدها موردی است که آموزش و پرورش با بهانه‌های واهی دست به اخراج معلمان می‌زند. این سند، حکم کارگزینی این وزارتخانه در مورد اخراج یکی از کاندیداهای سازمان ما در انتخابات مجلس در شیراز به نام "صدیقه صرافت" است.

ناگفته‌نماند که "صدیقه صرافت" به مدت ۶ سال در زندان رژیم شاه جنایتکار به سر می‌برد و اکنون پس از ۱۶ سال سابقه کار در فرهنگ با بهانه نداشتن "مذهب رسمی" از فرهنگ اخراج می‌شود.

چگونه می‌توان گرانی را ...

بقیه‌ازصفحه ۱۶

برخوردار نیستند و علل و ریشه‌های واقعی گرانی را نمی‌دانند، نسبت به مبارزات ضدامپریالیستی تردید ایجاد می‌کند و صدها هزار زحمتکشی را که باید با مبارزات پیگیر خود پیروزی این انقلاب را تضمین کنند به انفعال می‌کشاند و این امر در ادامه خود خطر نابودی دستاوردهای انقلاب و قدرت گرفتن محافل سرمایه‌داری وابسته را افزایش می‌دهد.

هر چند بدون نابودی کامل سرمایه‌داری، گرانی و بیکاری‌و غیره از میان نخواهد رفت، ولی ما معتقدیم که در شرایط کنونی به عنوان راه حل موقت، دولت کنونی‌می‌تواند به موارد زیر که‌خارج‌از توان آن نیست جامه عمل بپوشاند:

۱ـ بذر، کود، ماشین آلات کشاورزی و سایر مایحتاج اولیه کشت و کار از جانب دولت به شوراهای دهقانی و یا به قیمت نازل به کشاورزان واگذار شود و محصولات آنان با قیمتی که منافع کشاورزان را تضمین کند توسط دولت خریداری شود. این سیاست می‌تواند به سرعت تولید کشاورزی را افزایش دهد. از سوی دیگر تمرکز محصولات عمومی کشاورزی در دست دولت، توزیع این محصولات را با بهایی ارزان‌امکان‌پذیرمی‌کند.

۲ـ دولتی شدن کامل بازرگانی خارجی و تمرکز کامل آن.

۳ـ خرید مواد اولیه صنعتی‌برای حرکت چرخ تولید کارخانجات و خرید محصولات‌مصرفی مورد نیاز از کشورهای سوسیالیستی و دوست مردم ما.

۴ـ قطع ورود کالاهای غیر ضروری و حتی محصولات غذائی غیرضروری.

۵ـ مبارزه با ورود کالا از طریق قاچاق که توسط دلالان بین‌المللی از کشورهای همجوار صورت می‌گیرد.

۶ـ دخالت و مشارکت مردم در امر توزیع مایحتاج عمومی، از طریق شوراهای محلات و سازماندهی یک شبکه توزیع و نظارت بر فروش کالاها که واحد پایه‌ای آن را شورای محلات متشکل از زحمتکشان تشکیل دهد.

چه کسانی مبارزه ضدامپریالیستی را پیش می برند

شوراها یا ...

بقیه‌ازصفحه ۱۶

که شوراها در امر مدیریت اخلال کرده و مانع بهبود وضع اقتصادی و سیاسی کشور می‌شوند. و فی‌الواقع شوراهای کارگران و زحمتکشان در تلاش‌های ضدانقلابی مدیران و روسای ادارات اخلال می‌کنند!

ما می‌گوئیم هرگامی که مبارزه ضد امپریالیستی میهن ما به پیش برداشته، و اگر هر سر سوزنی که در گوشه‌ای از اقتصاد ایران بهبود حاصل شده باشد، تنها و تنها به همت مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک کارگران و زحمتکشان میهن ما بوده و مشخصا مرهون مبارزات کم و بیش مشکل آنهاست و اخلالگران واقعی دشمنان شوراها و دوستان تنگ نظر، نا آگاه و کج‌اندیش شوراها هستند.

سند زیر یکی از دهها نمونه‌ای است که نشان میدهد که چه کسانی مبارزه ضد امپریالیستی را به پیش می‌برند و نگران آینده هستند و چه کسانی آن را به شعاری توخالی تبدیل کرده‌اند:

این نامه را شوراهای اسلامی کارخانه‌های رامباد، زر و رادیاتور ایران، در افشای کسانی که تلاش دارند از مبارزات ضدامپریالیستی کارگران جلوگیری کنند و راه را برای تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا هموار سازند، برای رئیس جمهور بنی‌صدر نوشته‌اند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
دفترریاست جمهوری اسلامی ایران

در شرایطی که مسئله تحریم اقتصادی از سوی کشورهای امپریالیستی بر ما تحمیل می‌شود، در شرایطی که صحبت مبارزه با امپریالیسم جهانی و شعار مرگ برآمریکا بارها و بارها داده می‌شود، در شرایطی که توده محروم و زحمتکشان شریف مملکت خواهان نابودی سلطه تمام امپریالیستها هستند و قطع وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی رابا امام امت یکصدا فریاد می‌زنند، در شرایطی که صحبت تولید بیشتر و خودکفائی اقتصادی گوش ملت را کر کرده است، درست در همین شرایط اقدامی از طرف وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن سر می‌زند که مخالف تمام شعارها و خواسته‌های فوق می‌باشد.

این آقایان ورود ۱۶ قلم کالاهای تولیدی داخل کشور را بدون هیچ محدودیت تا اطلاع ثانوی آزاد اعلام کرده‌اند.

در حالیکه ما هنوز به علت نداشتن بازار فروش و غیره با ظرفیت عادی هم، کارخانه‌زر، کار نمی‌کند، آیا این چیزی جز خواباندن تولید نیست؟

ما قاطعانه از مقام ریاست جمهوری خواهانیم که بلافاصله این دستورالعمل را متوقف کنند و جلو این عمل را که جز خدمت به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته نیست، سد کنند.

شورای اسلامی کارکنان رادیاتور ایران
شورای اسلامی کارخانه رامباد
شورای اسلامی کارخانجات تولیدی‌زر
رونوشت
مطبوعات کشور
رادیوتلویزیون اسلامی

پیروزباد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۶

آقای رئیس جمهور!

زیر شعار «شورا یی شورا»، ضدانقلاب در صنعت نفت خود را تحکیم می بخشد

«بحران در تولید و ادارهٔ صنعت نفت»

(قسمت دوم)

بحران در صنعت نفت از عمده‌ترین مسائل مربوط به حیات اقتصادی ـ سیاسی کشور است. اهمیت استراتژیک صنعت نفت در عرصه مبارزه ضدامپریالیستی و مبارزه طبقاتی کارگران ما را بر آن می‌دارد تا بحران در صنعت نفت و مضمون طبقاتی آن را مورد بررسی قرار دهیم.

این بحران قبل از آنکه بحرانی اقتصادی باشد بحرانی سیاسی است که انعکاس یک مبارزه ضد امپریالیستی وطبقاتی در صنعت نفت است.

در شماره گذشته "کار" به وجه سیاسی این مبارزه و وظایف شوراهای کارگران و کارمندان جزء کم و بیش اشاره کردیم و بر ضرورت مبارزه قاطع با دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در صنعت نفت تاکید ورزیدیم. در این شماره به تاثیر عوامل سیاسی در کیفیت تولید و اداره صنعت نفت خواهیم پرداخت.

■ ■ ■

امروز صنعت نفت ایران در عین حال درگیر یک بحران در تولید و اداره این صنعت بزرگ است. ما با طرح و پاسخ به چند سئوال کوشش می‌کنیم به بررسی این وجه از بحران بپردازیم. تا در پایین کمکمود مواد اولیه تصفیه شده نفتی را در چه رابطه‌ای باید توضیح داد.

۱ـ آیا میزان مصرف داخلی افزایش یافته است؟

۲ـ آیا میزان صادرات نفتی‌افزایش یافته است؟

۳ـ آیا ظرفیت پالایشگاه‌های کشور کاهش پیدا کرده است؟

یا مسئله پاسخ دیگری دارد؟

۱ـ افزایش میزان مصرف داخلی:

مصرف نفت در سال ۵۸ در حدود ۶% نسبت به سال ۵۷ افزایش یافت. با در نظر گرفتن این افزایش مصرف و نیز با توجه به اینکه از پایان سال ۵۶ تاکنون تعدادی از کارخانه‌های مصرف کننده مواد تصفیه شده نفتی یا هنوز آغاز به کار نکرده‌اند و یا در سطح نازلی از تولید کار می‌کنند.

نمی‌توان افزایش مصرف را دلیل قانع کننده‌ای برای کمبود مواد نفتی دانست.

۲ـ افزایش صادرات؟

صادرات مواد تصفیه شده نفتی به جز نفت کوره و نفتا، یا قطع شده و یا چندان قابل ملاحظه نمی‌باشد. بخصوص در زمستان گذشته وزارت نفت به واسطه کمبود مواد نفتی و برای جلوگیری از بحران سوخت (در زمستان) از صدور هر نوع مواد تصفیه شده نفتی خودداری کرده، حتی هنگامی که دولت رلاندتو فروش گوشت به ایران را مشروط به خرید مواد تصفیه شده نفتی از ایران کرد و تهدید نمود که در غیر این صورت ممکن است صدور گوشت به ایران را قطع کند، صدور این‌مواد غیر ممکن اعلام شد. البته احتمال دارد عدم کنترل دقیق مرزها به ویژه مرزهای ترکیه و پاکستان و قیمت بالای مواد تصفیه شده نفتی به شکل قاچاق از کشور خارج گردد و یکی از دلایل کمبود این مواد در استان‌های کرمان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان این باشد. ولی میزان این قاچاق آنقدر نیست که دلیل قانع کننده‌ای برای کمبود مواد تصفیه شده نفتی در سطح کشور به حساب آید.

۳ـ کاهش ظرفیت پالایش؟

ظرفیت تصفیه پالایشگاه آخر سال ۵۶ و همچنین ۵۸ و متوسط کارکرد روزانه کشور را در نظر می‌گیریم:

پالایشگاه ظرفیت در سال ۵۶ میانگین کارکرد روزانه کاهش عملکرد در سال ۵۸ از اول فروردین ۵۸ تا پایان بهمن ۵۸

آبادان	۵۴۰	۵۱۱	۹۹
تهران	۶۱۰		
تبریز	۲۰۰+۸۰	۲۰۰+۸۰+۱۳۵	۱۷۴
		۲۴۱	
اصفهان			
شیراز	۴۰	۳۶	۴
نفت‌شهر	۲۰	۱۵	۵
جمع	۸۸۰	۱۰۸۵	۲۸۲
		۸۰۳	

می بینیم که ظرفیت پالایشگاه آبادان ۷۰ هزار بشکه در روز نسبت به سال ۵۶ (قبل از قیام) اضافه شده و پالایشگاه اصفهان با ظرفیت تصفیه ۱۳۵ هزار بشکه نفت در روز شروع به کار کرده است یعنی ۲۰۵ هزار بشکه در روز به ظرفیت تصفیه پالایشگاه اضافه شده است.

همچنین این آمار نشاندهنده این واقعیت است که از یک میلیون و هشتاد و پنج هزار بشکه در روز و(ظرفیت پالایشگاه‌ها) فقط از ظرفیت ۸۰۳ هزار بشکه در روز استفاده شده و ۲۸۲ هزار بشکه در روز یعنی ۲۶ در صد ظرفیت پالایشگاه‌ها بدون استفاده مانده است. دلیل کمبود نفت در همینجاست.

کاهش این عملکرد به دو دلیل می‌تواند باشد:

الف: علل تکنیکی و محاصره اقتصادی.

ب: علل مربوط به نیروی انسانی.

الف: علل تکنیکی و محاصره اقتصادی:

بررسی این علل در واقع بررسی این موضوع است که آیا در زمینه وسایل یدکی و مواد اولیه (کاتالیزور) ضروری در پالایشگاه کمبود وجود دارد یا خیر؟ در سال ۵۸ و تا پیش از ۲۶ مهر ۵۷ که شروع اعتصاب عظیم‌کنگران مناطق نفت خیز جنوب است میزان واردات کالا و وسایل یدکی جهت استفاده شرکت‌های وابسته، مناطق نفت خیز، پالایشگاه آبادان و بخشی از پالایشگاه‌های دیگر (به جز پالایشگاه تبریز که بیشتر مواد و وسایل مورد نیازش را از مرز بازرگان و پالایشگاه تهران بخشی از نیازهایش را از طریق مرز هوائی تامین می‌کند) بطور متوسط هر ماه ۵۳ هزار تن بوده است. در طول اعتصابی که از ۲۶ مهر ماه ۵۷ آغاز شد، واردات کالا بطور متوسط ۱۰ هزار تن در ماه بود. در دوران نخست وزیری بازرگان این میزان در حدود ۲۲ هزار تن‌کالا در ماه بود که در مهرماه ۵۸ به اوج خود یعنی به ۵۸ هزار تن رسید. در آبانماه و بعد از تسخیر سفارت میزان واردات کالا کاهشی چشمگیر یافت و از آبان تا آخر بهمن فقط ۲۵ هزار تن کالا وارد شد (تقریبا ۶ هزار تن در ماه) کاهش واردات بعد از تسخیر لانه جاسوسی موجودی کالاها و وسایل یدکی موجود در انبارهای شرکت ملی نفت در آبادان و مناطق نفت خیز جنوب بالغ بر ۵۱۰ میلیون دلار می‌شد که نسبت به موجودی کالا در پایان اسفندماه ۵۷ که ۴۰۰ میلیون دلار بود افزایش معادل۱۱۰ میلیون دلار یا معادل ۲۷/۵ درصد را نشان می‌دهد. بعلاوه کارگران و متخصصین صنایع نفت نشان داده‌اند که بخوبی می‌توانند بسیاری از وسایل مورد نیاز را خود در کارگاه‌های پالایشگاه‌ها و مناطق نفت‌خیز بسازند.

با توجه به این آمار و با توجه به واقعیات موجود در عملیات پالایشگاه‌ها می‌بینیم که در وسایل یدکی و کاتالیزورها کمبودی جدی وجود ندارد که بتواند در میزان عملکرد پالایشگاه‌ها تاثیری داشته باشد. ولی در آینده این کمبود در صورت عدم برنامه ریزی صحیح می‌تواند به کاهش تولید فرآورده‌های نفتی منجر شود البته لازم به تذکر است که وسایل یدکی و مواد خام (کاتالیزورها) مورد نیاز پالایشگاه‌ها و بطور کلی وسایل مورد نیاز صنایع نفت می‌تواند بطور غیر مستقیم از بازار سیاه اروپای غربی و خاورمیانه البته به قیمت‌های بسیار بیشتر از قیمت‌های بازار رسمی تهیه شود و یا از بازارهای اروپای شرقی به‌ویژه رومانی که دارای صنایع پیشرفته و پتروشیمی است، تامین گردد. البته به قیمت‌هائی بسیار کمتر از (در بعضی موارد حتی تا یک سوم کالاهای مشابه) قیمت‌هائی‌که توسط انحصارات امپریالیستی بر ما تحمیل می‌شود. به هر حال کمبود وسایل یدکی و مواد اولیه (کاتالیزورها) هنوز در پالایشگاه محسوس نیست و تاثیر این دو عامل بر روی کاهش ظرفیت تصفیه پالایشگاه‌ها مربوط به آینده است نه حال.

ادامه دارد

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۷

موضع و سیاست جناح‌های دولت ایران در برابر مخالفان دولت افغانستان

باکنون مردم ما ساحت دقیق و روشنی از هویت سروهائی که با دولت افغانستان در حال جنگ هستند به دست ناوردداند. فقط شنیده‌اند که مسلمین علیه دولت افغانستان قیام کرده‌اند و با "کفار" می‌جنگند. اما روشن نیست که این مسلمین طرفدار کدام اسلام هستند؟ اسلام امریکائی؟ یا اسلامی که ضد خط امام و با امپریالیسم امریکا دسمنی می‌کند؟

اما اکنون روزنامه جمهوری اسلامی با سرو انجلات آشکاری ۸ سرمقالهای نوشته‌اند که توجه به آنها حقایق زیادی را فاش میکند:

جمهوری اسلامی بحث پیرامون گروه‌های امریکائی افغانستان را اینور ساداتِ ملاحات کردند و نوشت:

"این گروه‌های امریکائی عبارتند از: حزب اسلامی افغانستان، حرکت انقلاب اسلامی، جبهه نجات ملی، جمعیت اسلامی، اتحاد ملی و انقلاب اسلامی افغانستان که به مصر رفته‌اند"

روزنامه سس می‌نویسد:

"این گروه‌ها خائن‌اند، مزدورند وطن فروشند و فقط به درد نوکری امریکا می‌خورند... ملت افغانستان این گروه‌ها را از خود رانده است."

و در پایان صفحه می‌گوید:

"مرحله دوم جنگ های مسلمانان افغانستان با این گروه‌های مزدور امریکائی خواهد بود."

همین روزنامه در سر مقاله خود می‌نویسد:

"اکنون انقلاب افغانستان رهبر مشخص ندارد. گروه‌هائی هم که در داخل افغانستان تشکیل شده‌اند جنان متعدد و مختلف هستند که احتلاف ناشی از شیود زندگی فئودالیته آنها امکان قرار گرفتن حتی مثالی‌ترین آنها را در مقام رهبر انقلاب افغانستان نامحکن می‌سازد."

می‌بینید که روزنامه جمهوری اسلامی دیگر نمام گروه‌هائی را که به دنبوب آقاسامی و همکار ایرانی وی فقب زاده در کنفرانس زیو مرکب کردند همه را مزدور امریکا می‌داند می‌بینید که این روزنامه صریحا می‌گوید:

"گروه‌هائی هم که در داخل افغانستان تشکیل شده چنان متعدد و مختلف‌هستند که احتلاف ناشی از شیود زندگی فئودالیته آنها امکان قرار گرفتن حتی مثالی‌ترین آنها را در مقام رهبر انقلاب افغانستان نامحکن می‌سازد."

وقتی ما در چند ماه پیش صریح و روشن اعلام کردیم که دستجات درگیر در جنگ با دولت افغانستان عوامل فئودالها و تحت حمایت امپریالیسم امریکا و رژیم ضد خلقی باکستان هستند، بسیاری از معتقدین قبری برنده نشریه "کار" را در خیابان‌ها نصب کردند و در خانه آن نوشتند: سپید مارکسیست‌ها راجع به مبارزات مسلمان افغانستان چه می‌گویند؟ اما حالا همین "مبارزان" که به گواه اسنادی که "کار" منتشر کرد مسلمون‌ها دلار پول از دولت ایران دریافت کرده‌اند. همین مبارزان که به اعتراف روزنامه جمهوری اسلامی همه از دستجات فئودالی هستند. همگدام سعودیه بوده و بر عهده این روزنامه است که پاسخ دهد تا امروز از گدام سروها در افغانستان پشتیبانی کرده و آن گروه‌ها خود مورد حمایت گدام یک از سروهای خارجی و داخلی افغانستان بوده‌اند. اگر واقعا در بین سروهائی که در افغانستان با دولت مرکزی می‌جنگند سروهای اصیل ملی و غیر وابسته و ضد امپریالیست وجود دارد پس چرا در کنفرانس زیو که به "سپهبد" فقب زاده تشکیل شد سها نمایندگان آن گروه گدائی که بعدا بلافاصله به دیدار سادات شافعه شرکت کردند؟ کنفرانس زیو لااقل یک حس داشت و آن اینکه به ناآگاهترین افراد مردم ما ثابت کرد که وزارت خارجه ایران و همکارس آقاشاهی زاده عملا و مطابق شواهدی که در دست است در کمال وقاحت سعی از همان وظایفی را بر عهده گرفته است که سفارت امریکا در ایران بر عهده داشت.

هدف فقب زاده از برگزاری کنفرانس زیو به هیچ وجه حل مساله افغانستان نبوده است. روزنامه انقلاب اسلامی ۸ شر در این زمینه نوشت:

"مطبوعات شوروی که از جریانات پشت پرده اطلاع حاصل کرده بودند اعلام کردند که این کنفرانس جهت حل بحران افغانستان نیست و انگیزه آن جهانیان است. که البته واقعیت نیز همین بود و اصولا کنفرانس برای حل مساله افغانستان نبود بلکه هدف عمده آن عبارت بود از:

۱ـ ایجاد وحدت بین گروه‌ها و جمعیت‌های افغانی.

۲ـ بررسی نحوه کمک به مجاهدین افغانی.

۳ـ معرفی مبارزین افغانی به جهان.

و این مجاهدین و مبارزین افغانی همان مرجع ترس، سرسپرده‌ترین گروه‌های مزدوری هستند که به وابستگی به صاء الحق، ملک سعود و امپریالیست‌ها ساخات می‌کنند.

رهبران گروه‌های امریکائی که به دعوت فقب زاده به زیو دعوت شده‌اند عبارتند از:

۱ـ مولوی محمد نبی محمدی از حرکت انقلاب اسلامی.

۲ـ برهان الدین ربانی از جمعیت اسلامی.

۳ـ محمد یونس خالص از حزب اسلامی.

۴ـ سبغ احمد گیلانی از محاذ ملی.

۵ـ سیف‌الله مجددی از جبهه نجات افغانستان و گلبدین حکمتیار از حزب اسلامی.

گلبدین حکمتیار رهبر این حزب که روزنامه جمهوری اسلامی‌آن را خائن، مزدور و امریکائی می‌نامد همانکسی است که اخیرا با آقای سی‌صدر ملاقات داشته و از وی برای کمک گرفتن از سادات به قاهره رفته است. همان کسی است که رژیم ضدخلقی، مزدور و امریکائی ضیاء الحق را پشتیبانی و مدافع مردم خالیوجوه آن است که روزنامه، افغانستان معرفی می‌کند و از رئیس جمهور می‌پرسد:

"این گروه‌ها فعلا تنها نهادی هستند که می‌توان با آنها ارتباط برقرار کرد."

این حرف بدان معناست که تمام پول‌های ایران صرف کمک به گروه‌هائی شده است که مزدورند، خائن‌اند و فقط به درد نوکری امریکا می‌خورند.

مگر نه اینکه اگر یک جریان سیاسی واقعا مردمی، انقلابی و مترقی در زمینه راه استقلال و آزادی میهن خویش باشد اگر واقعا پیرو توده‌ها متکی باشد نمی‌تواند از انظار نهان بماند پس کجاهستند آن نیروهای مردمی و مترقی؟

علت اینکه وزارت خارجه ایران تنها با این عناصر فئودال و مرتجع و خائن و مزدور ارتباط برقرار کرده است چیست؟ پاسخ این سئوال را باید اولا در ماهیت سیاست حاکم بر وزارت خارجه ایران یافت و ثانیا در این واقعیت جستجو کرد که گروه‌های ضد امریکائی و میهن پرست و مترقی افغانستان قطع نظر از اختلاف عقیدتی مدهبی و غیر مدهبی‌شان جنگ با دولت مرکزی که بخود در کنیر مبارزه با امریکا را "مقدس" و همراهی و همکاری با فئودالها، عوامل رژیم ضد خلقی باکستان و دستجات مزدور و خائن امریکائی می‌شناسند. و واقعیت این است که امروز تمام گروه‌های شناخته شده افغانی که با دولت مرکزی در حال جنگند همان‌هائی هستند که با کارت‌های ایرانی به کنفرانس اسلام آباد رفته‌اند و به دعوت فقب زاده برای توطئه‌چینی و مزدوری امریکا به زیو رفتند و هان کسانی هستند که بعد از ترک‌دراین کنفرانس حلالزاده قاهره رفته‌اند که گزارش فعالیت خود را به سادات و شاه بدهند. قابل توجه است که روزنامه انقلاب اسلامی که اخیرا به آسیاب بطرات آب به آقای رئیس‌جمهور سر ناکیده شده است با بی‌شرمی تمام می‌نویسد:

"حزب اسلامی نامبرده‌ترین حزب برای رهبری افغانستان است."

مطالعه مقالات روزنامه‌های "جمهوری‌اسلامی" ۹ تیر و "انقلاب‌اسلامی" ۸ تیر سراسون مسئله افغانستان را توصیه می‌کنیم

جمهوری اسلامی
دوشنبه ۹ تیرماه ۱۳۵۹ـ صفحه ۱۶
۱۷ شعبان ۱۴۰۰ـ شماره ۳۱۱ـ سال دوم

گروههای آمریکائی افغانستان با انور سادات دیدارکردند

هنمایندگان گروههای امریکائی عبارتند از: حزب اسلامی افغانستان، حرکت انقلاب اسلامی، جبهه نجات ملی، جمعیت اسلامی، اتحاد ملی و انقلاب اسلامی افغانستان که به مصر رفته‌اند

انقلاب اسلامی
یکشنبه ۸ تیرماه ۱۳۵۹ـ شماره ۳۹۰

گفتگوی اختصاصی با گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان

حزب اسلامی شایسته‌ترین حزب برای رهبری افغانستان است!

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۸

(قسمت سوم)

وظایف و اشکالات زحمتکشان میهن‌مان درس بگیریم

تجربه" یازده ماه مبارزه دهقانان ترکمن صحرا درخدمت ارتقاء جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای سراسر ایران

ج: تشکیل شوراهای مستقل زحمتکشان "زابلی" و "ترکمن"، و وحدت آنها در چارچوب شوراهای مرکزی:

تشکیل شوراهای مستقل زحمتکشان زابلی و زحمتکشان ترکمن گام بعدی بود که می‌بایست پس از طرح شعار نصفه شوراها متحقق شود.

مهر و آبان ۵۸ نقطه آغاز تشکیل چنین شوراهایی بود. تشکیل شوراهای مستقل زحمتکشان ترکمن صحرا در روستاها و نیز تشکیل شوراهای مستقل زحمتکشان زابلی که روی زمین‌های سازمان‌های زراعی اطراف روستاها کار می‌کردند، اختلافات بین زحمتکشان را در روستاهای متعددی که به عنوان مراکز بروز درگیری‌های فوق شناخته شده بودند، به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. در این مناطق کشت شورایی زمین‌های مصادره شده، توسط همه زحمتکشان منفعا عملی گردید و دسایسی که به منظور ایجاد اختلاف، در صفوف زحمتکشان طراحی شده بود، بطور نقریب زمینه خود را از دست داد.

تنها بعد از جنگ تحمیلی نهمن ماه پاسداران، جهاد سازندگی و ... با سوء استفاده از اختلافات موجود بین زحمتکشان ملیت‌های مختلف، توانستند مجددا زمینه‌های تحریک را در "زابلی‌ها" تا حدودی فراهم آورند، لیکن بلافاصله به کمک "هیئت ۵ نفره حل اختلافات ارضی" ■ در روستاهایی که براکمه و زابلی‌ها شورای مستقل تشکیل داده بودند و اختلافاتی میان بروز کرده بود، اقدام به ایجاد شوراهای مرکزی گردید که در واقع هدفی هماهنگ کننده شوراهای ملیت‌های مختلف را بر عهده داشت. نمایندگان براکمه و زابلی‌ها در این شورای مرکزی مشترکا به امور مربوط به کاشت و داشت و برداشت، از قبیل جگونگی استفاده از آب، ماشین آلات موجود و سایر تکانات رسیدگی می‌کردند. تخصیصات شورای مرکزی به شوراهای دمکراتیک تعلق شده و هر شورا و سر هر یک از زحمتکشان منطقه مربوطه، ملزم به اجرای تصمیمات آن بودند.

تشکیل "شورای مرکزی" گام بزرگی به سمت وحدت هر چه بیشتر تمام زحمتکشان منطقه، از ملیت‌های گوناگون بزرگ و طبقه سرمایه‌دار بود. این شوراها باعث گردید که زحمتکشان زابلی فلسفرغم وعده و وعیدهای نفاق افکنانه هیئت حاکمه به منظور ایجاد شکاف در صفوف آنان و سایر زحمتکشان منطقه، هر چه بیشتر به شوراهای "براکمه" نزدیک شوند. پس از این تجربه مسئولین "ستاد مرکزی"، رهفای ترکمن صحرا، به گونه‌ای خلاق دریافتند که مبنای وحدت زحمتکشان، مانع طبقاتی مشخص آنهاست. آنها موفق شدند این امر وحدت افتار و طبقات انقلابی ملیت‌های مختلف را بر همین مبنای عینی تا حدودی سر و سامان دهند و تا حد ممکن از تشدید تضادهای درون خلقی و از بروز درگیری‌های رودررس جلوگیری به عمل آورند.

د: تشکیل اتحادیه روستایی گام دیگری در جهت تشکل و تجهیز توده‌ها

در راستای تحقق سیاست خائنانه کردن ارگان‌های توده‌ای به جای "ستاد مرکزی" و "منگی ساختن هر چه بیشتر امور بر قدرت و اسکار انقلابی نیروها و نهادهای توده‌ای دیگر، با توجه به ویژگی‌های خاص در منطقه و با تأکید بر شورای دهقانی به عنوان محور تشکل رحمتکشان روستا و به منظور آن که گام سرنوشت‌ساز در جهت تشکل و تجهیز توده‌ها برداشته شود، طرح تشکل اتحادیه‌های روستایی در دستور قرار گرفت.

اتحادیه روستایی ارگانی متشکل از جندین شورای روستایی است که در آنان موقعیت جغرافیائی منطقه، فاصله روستا و سر راحله تولیدی آنها با یکدیگر شکل گرفته است. هر اتحادیه ۶ تا ۱۰ روستا را در بر می‌گیرد. اتحادیه‌های هر منطقه از کانال‌های مختص به مرکز هماهنگ کننده همه آنها یعنی "ستاد مرکزی شوراها" مرتبط بودند و از همین کانال زیر پوشش برنامه‌های آموزش که عمدتا خصلتی سیاسی ـ تبلیغی داشت، قرار می‌گرفتند.

هر شورای عضو یک نفر را به عنوان نماینده خود به اتحادیه می‌فرستد، تا در جلسات منظم آن، که بطور هفتگی در روستاهای حوزه فعالیت اتحادیه مذکور تشکیل می‌شود شرکت کند و مسائل شورای روستای خود را با دیگر زحمتکشان منطقه در میان بگذارد. تشکل اتحادیه‌های روستایی نیز برحسب‌ای در برگرد هر چه مستحکم‌تر زحمتکشان در امور مربوط به زندگی آنها بود. اکنون دیگر بسیاری از کارهائی که‌قبلا انجام همه آنها از "ستاد" انتظار می‌رفت، توسط خود زحمتکشان انجام می‌شد. این مسأله در امر آماده سازی انرژی تشکلات سر تاسر به سرانی داشت. کارها و امکاناتی که به این ترتیب آزاد می‌شدند، می‌توانستند در جای دیگر نفسی مؤثر عهده بگیرند.

اتحادیه‌های روستایی، ارتباط روستائیان را به مراتب آسانتر داد و از طریق نمایندگی مستقیم توده‌ها و واگذاری کارهایی به روستائیان که در حد توان و آگاهی‌شان بود، به این رابطه کمکی تازه بخشید. تشکل اتحادیه مانوره طبقاتی روستا را از بعد جدیدی برخوردار ساخت. عملکرد مشترک شوراهای عضو اتحادیه‌در جهت مصادره زمین‌ها و سخم و کاشت محصول شوراهای عضو اتحادیه‌در جهت تهاجمات و توطئه‌های زمینداران بزرگ و آبادی آنها، روستائیان را هر چه بیشتر به ضرورت تشکل و تحکیم وحدت خود آگاه‌تر می‌ساخت.

عملکرد مشترک شوراهای عضو اتحادیه در جهت مصادره زمین‌ها و شخم و کاشت محصول و نیز مقاومت جمعی تنها در برابر تهاجمات و توطئه‌های زمینداران بزرگ و آبادی آنها، روستائیان را هر چه بیشتر به ضرورت تشکل و تحکیم وحدت خود آگاه‌تر می‌ساخت.

هـ: "اتحادیه" سراسری شوراهای ترکمن صحرا"، دستاورد بزرگ خلق ترکمن:

بعد از تشکل گیری اتحادیه‌ها، گام بعدی تشکل "اتحادیه سراسری روستاهای ترکمن صحرا" مشکل از نمایندگان تمامی اتحادیه‌های روستایی بود. این ارگان در واقع می‌بایست فعالیت اتحادیه‌های مناطق مختلف را در سطحی عالیتر هماهنگ کند و سیاست‌های کلی منطقه را در رابطه با "ستاد" محقق نماید. تاسیس "اتحادیه سراسری" سیاست خائنانه بنودن ارگان‌های توده‌ای به جای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و تضعیف رابطه ستاد و توده‌ها را گام دیگری به پیش برد.

نمایندگان اتحادیه‌های مختلف در جلسات منظم هفتگی "اتحادیه سراسری ترکمن صحرا"، اهم امور اقتصادی ـ اجتماعی و سیاسی منطقه و دیگر نقاط ایران را مورد بحث قرار می‌دهند و سپس جلسه را از طریق اعضای اتحادیه‌ها به مناطق مختلف و از کانال آنها به شوراهای روستایی منتقل می‌نمایند. این امر در هماهنگی مبارزات زحمتکشان به منظور مصادره زمین‌ها و بولدوزر، یاکش ماشرات به سرانی برخای کذاشته است.

سیاست کلی بر این است که سرنوشت تمام وظایف "ستاد مرکزی" از جلسهٔ تمامی و مذاکره با ارگان‌های حکومتی بر عهده "اتحادیه سراسری" گذاشته شود و کادرهای مسئول "ستاد" در

بقیه در صفحه ۹

گسسته بـــاد همـــه وابستگی‌های اقتصادی، سیاســـی نظامی، وفرهنگی با امپریالیسم جهـــانی بسرکردگـــی امپریـــالیسم امریکا

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم – شماره ۶۵ – صفحه ۹

از تجربه ...

بقیه از صفحه ۸

چارچوب ارگان اخیر الذکر، هماهنگ و همدوش زحمتکشان در پیشبرد اهداف مبارزاتی آنان فعالانه شرکت نمایند. لازم به یاد آوری است که علیرغم سمت‌گیری کلی سیاست رفقای منطقه در جهت جانشین ساختن "اتحادیه سراسری" به جای "ستاد مرکزی" و علیرغم تبلیغات گسترده برای افزایش هر چه بیشتر محبوبیت اتحادیه سراسری "ستاد" تا مدتها همچنان جایگاه برجسته‌خود را حفظ می‌نمود، چرا که اولا عمیقا در اذهان توده‌ها ریشه دوانیده بود و ثانیا امکان عملی پیشبرد امور توسط اتحادیه‌ها در مقایسه با آن بسیار محدود بود. لیکن افزایش آگاهی سیاسی اعضای اتحادیه‌ها، پیشرفت امر آموزش در مناطق مختلف در پروسه این اشکال را برطرف نمود.

شکل گیری اتحادیه‌ها و تشکل آنها در چارچوب "اتحادیه سراسری" در مجموع هفت ماه به طول انجامید. آبانماه ۵۸ فعالیت‌های "اتحادیه سراسری" آغاز گشت و به سرعت رشد نمود.

ضرورت گزیر ناپذیر آموزش توده‌ها از طریق شرکت مستقیمشان در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، لزوم تحکیم تشکل آنها بر پایه ارتقاء سطح آگاهی‌شان نسبت به مسائل مختلف، ضرورت استحکام هر چه بیشتر رابطه بین توده و پیشرو با اتکاء بر مبانی فوق مسئولین این منطقه را برآن داشت تا کلیه امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را با مشورت مستقیم و شرکت فعال نمایندگان اتحادیه سراسری پیش برند و به این ترتیب زمینه را برای واگذاری تدریجی تمام کارها به آنها فراهم آورند. در این رابطه مسائل سیاسی کشور از قبیل بررسی انتخابات ریاست جمهوری و یا انتخابات مجلس شورای ملی و ... در وسیع‌ترین سطح ممکن، در معرض مشاوره و مطالعه اعضای اتحادیه سراسری یعنی دهها هزار توده زحمتکش ترکمن قرار داده شد.

بدیهی است اتحاد، ارگانی کاملا توده‌ای – دمکراتیک است و انجام فعالیت‌های سوسیالیستی را نمی‌توان بر عهده آن دانست. این بخش از فعالیت عمدتا وظیفه هسته‌هائی است که در مناطق مختلف، متناسب با شرایط هر منطقه بطور مخفی و یا نیمه علنی – نیمه مخفی عمل می‌کنند. اشتباهات گذشته در زمینه تداخل وظایف و فعالیت ارگان‌های توده‌ای – دمکراتیک از یک سو و هسته‌های فوق الذکر از سوی دیگر، مرزبندی مشخص بین این ارگان‌ها را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مطرح ساخته بود.

در مقطع زمانی مورد بحث سازماندهی زحمتکشان حول شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" و نیز کنترل امر کاشت و داشت و برداشت شورایی، عمده انرژی تشکلات را به خود اختصاص می‌داد.

ادامه دارد

قسمتی از بیانیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه اصفهان – فارس

دربارهٔ انشعاب اقلیت

در حالیکه تلاش امپریالیسم و وابستگان داخلی‌اش بیش از هرزمان دیگر برای به شکست کشاندن مبارزات ضدامپریالیستی – دمکراتیک توده‌های مردم گسترش یافته است، درحالیکه سیاست‌های نفاق‌افکنانه و جنگ‌افروزانه جناح‌هائی از هیئت حاکمه بستر رشد مناسبی را برای تشدید فعالیت ضدمردمی عوامل امپریالیسم، بازماندگان سرسپرده رژیم سابق و سرمایه‌داران لیبرال و خوانین به وجود آورده است، هم‌چنین ناتوانی حاکمیت از حل مسائل عاجل زحمتکشان، تحریم اقتصادی امپریالیسم و عدم مقابله صحیح با آن، گسترش فعالیت محتکران و گرانی روزافزون، تشدید نابسامانی‌های حیات اجتماعی و سیاسی جامعه در اثر تشدید مبارزه قدرت بین جناح‌های مختلف درون حاکمیت بیش از هر زمانی صفوف خلق را دچار پراکندگی و سردرگمی کرده‌است، در چنین شرایطی که بیش از هرزمان دیگر طبقه کارگر برای به عهده گرفتن نقش تاریخی خود در مبارزات ضد امپریالیستی خلق به وحدت اراده نیاز دارد، "اقلیت" سازمان با انتشار نشریه‌ای با استفاده از آرم و نام سازمان اقدامات انشعابگرانه و انحلال‌طلبانه خود را تکمیل کرده و به انشعاب خود رسمیت بخشید.

"اقلیت" در جریان نخستین پلنوم سازمان بر محور دفاع از بینش گذشته سازمان به وجود آمد. از آنجائی که سازمان کمونیستی، با وجود در برگرفتن نظرات متفاوت، فراکسیون یا "تشکلات در تشکلات" را نمی‌پذیرد، لازم بود هرچه زودتر مبارزه ایدئولوژیک بر این محورتا نتیجه نهائی ادامه یافته و در سطح جامعه اعلام گردد.

"اقلیت" پس از پلنوم بجای عمل‌کردن به وظایف و مسئولیتهای سازمانی و جدیت و پشتکار در امر مبارزه ایدئولوژیک و دفاع کردن از نظریاتش، یعنی مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان ضمن انجام وظایف سازمانی و تشکیلاتی، عملا از انجام وظایف و تعهداتش شانه خالی کرد و در مقابل ایجاد "تشکلات در تشکلات" را هدف قرار داد و بدون آنکه قدمی برای حل مسائل عظیم سیاسی – تشکیلاتی سازمان بردارد در راه سازمان‌شکنی و انحلال‌طلبی پای گذاشت و نشان داد که تاکید بر "سازمان"، "ضوابط تشکیلاتی"، "مرکزیت دمکراتیک" شعارهائی است برای تامین منافع "گروهی". شیوه عمل "اقلیت" بازتابی است از دیدگاه و موضع طبقاتی آنان. همچنانکه خرده‌بورژوازی به علت موقعیت‌اش در تولید اجتماعی هرگونه سازمان و انضباطی را اسارت‌آور می‌داند و برای خود آزادی نامحدود قائل است.

روشنفکران خرده بورژوا نیز وقتی در "اقلیت" قرار می‌گیرند، تحمل اینکه اراده‌شان و آزادی نامحدودشان و نظریات انحرافی‌شان توسط اکثریت محدود و مشروط گردد، ندارند و هرگونه ضابطه‌ای را ضدیت با خودشان تلقی می‌نمایند و چهارچوب تشکیلات را حصار تنگی برای تمایلات انفرادمنشانه خود می‌یابند و برای اثبات حقانیت خود نه بر مبارزه ایدئولوژیک جدی و متین به شیوه کمونیستی بلکه بر احساسات "توده‌ها"ی هوادار و قرار دادن آنها در مقابل رهبران توسل می‌جویند.

ما عصیان خرده‌بورژوامآبانه "اقلیت"، استفاده غیرمسئولانه از نام و آرم سازمان، قراردادن منافع "گروهی" بالاتر از منافع جنبش کمونیستی، شایعه – پردازی، جعل و دروغ و تحریف و کوششهای انحلال – طلبانه آنان را قویا محکوم می‌کنیم و در این هنگام که مرکزیت سازمان مورد تهاجم انحلال‌طلبان قرار گرفته و طبقه ما و کلیه کادرها و اعضاء و هواداران سازمان است که با اتحادی مستحکم تر از پیش به گرد مرکزیت سازمان برای حل مشکلات (ایدئولوژیک – سیاسی – تشکیلاتی) سازمان مبارزه کنیم تا بتوانیم هرچه پرتوان‌تر به وظایف خود در قبال جنبش ضدامپریالیستی – دمکراتیک و مقابله با خطرات روزافزونی که جنبش را تهدید می‌کند با شایستگی عمل کنیم.

مستحکم باد صفوف رزمنده
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
نابود باد توطئه نفاق‌افکنان و انحلال‌طلبان
پرتوان باد جنبش طبقه کارگر
پیشتاز مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران – شاخه اصفهان و فارس
۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۹

شورای کارخانه سیمان ری در جهت تدوین طرح طبقه بندی مشاغل گام‌های مؤثری بر می دارد

متجاوز از ۸ ماه است که کارگران کارخانه سیمان ری در انتظار اجرای طرح جدیدی در مورد طبقه‌بندی مشاغل هستند. یکی از دلائل عمده شدن این خواست مسئله حقوق بازنشستگی کارگران است. کارگران خواستار آنند که حقوق بازنشستگی بر اساس سطح آخرین حقوق تعیین شود زیرا حقوق بازنشستگی با شرایط قبلی به هیچوجه نمی‌تواند پاسخگوی سطح هزینه‌های سرسام‌آور کنونی باشد. شورای کارخانه بدنبال تلاش‌های پیگیرانه‌اش در جهت تحقق این خواست کارگران، موفق شد اولا – یک طرح طبقه‌بندی مترقی و متناسب با خواست کارگران تهیه و تنظیم نماید ثانیا – موفق شد که آن را در برخی قسمت‌ها ساده کند و قرار شد برای تضمین اجرای آن طرح تهیه شده شورا به امضاء و تائید وزارت کار و مدیر عامل اتحادیه سازمان گسترش برسد. بدنبال تلاش‌های پیگیرانه و مداوم کارگران و شورا، سرانجام وزارت کار با امضای این طرح موافقت کرد ولی مدیرعامل با توسل به انواع بهانه‌ها از امضاء و تائید نهائی طرح خودداری می‌کند. در روز ۱۸ خرداد عده زیادی از کارگران در کارگزینی کارخانه اجتماع می‌کنند و خواستار تائید نهائی طرح طبقه‌بندی می‌شوند. مدیرعامل برای امضای آن یک هفته مهلت می‌خواهد که کارگران این بار نیز حسن نیت نشان داده و آخرین مهلت را به او میدهند ولی مدیرعامل چند روز است که از ترس رویاروئی با کارگران پا به کارخانه نمی‌گذارد. کارگران تصمیم گرفته‌اند که تا گرفتن حقوق جدید (طبق طرح) از دریافت حقوق به روال گذشته خودداری کنند. پیگیری شورای کارخانه در اجرای این طرح، هم‌چنین درک مسئولانه شورا از منافع کارگران و مبارزه برای تحقق خواستهای آنان و به ویژه شرکت فعلی و موثر آن در امر تدوین طرح طبقه‌بندی مشاغل که وظیفه و حق همه کارگران و تشکلات واقعی‌شان است، می‌تواند درسی برای همه کارگران باشد.

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیك مبارزه می کنند

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۰

قسمتی از اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ شاخه گیلان

فدائیان متحد و یکپارچه در مقابل سازمان شکنان «اقلیت» ایستاده‌اند

جنبش کارگری و کمونیستی ایران و در راس آن سازمان ما لحظات حساس و دورانسازی را می‌گذراند. اپورتونیسم با چهره‌های آشکار و نهانش از جلوه‌های چپ آنارشیستی و آوانتوریستی گرفته تا جلوه‌های راست و رویزیونیستی‌اش سازمان سترگ فدائیان را زیر آتشبار خود گرفته است.

این هجوم هم اکنون ابعاد گسترده‌ای یافته و با بهانه‌های چون "پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در جنبش" !! و یا "طرد و افشای اپورتونیسم سازمان" !! و غیره و غیره در واقع هجوم خود را در خدمت زیر ضرب قرار دادن سازمان بنا نهاده است. اینان شرط به اصطلاح "صداقت انقلابیشان را" !! پیشبرد خط سازمان شکنانه خود می‌دانند.

انشعاب و جدائی "اقلیت" از سازمان ما در واقع به شیوه‌ای سازمان‌شکنانه صورت پذیرفت و آنان در لحظه فعلی با سرپوش گذاشتن بر اساسی‌ترین اختلافات در اصول بین ما و خود در واقع در جهت لوث کردن مسئله تلاش می‌نمایند. آنهائی که به هر مصلحتی بر اختلافات ایدئولوژیک بر سر اصول سرپوش گذارند و به بهانه‌های مختلف آن را پنهان نمایند، خادمین آگاه یا ناآگاه اپورتونیسم و از همین رو دشمن مارکسیسم ـ لنینیسم و دشمن وحدت و انسجام تشکیلات کمونیستی هستند. رفقای "اقلیت" همه در یک چیز مشترکند و آن هم دفاع از مشی مسلحانه است و اکنون با شیوه‌ای رندانه از بیان کلی‌ترین و اصولی‌ترین مرزبندی‌های بین ما و خود شانه خالی کرده و فراکسیون خویش را نه بر مبنای نظرات خویش بلکه نظرات خویش را بر مبنای فراکسیون خود سازمان داده‌اند.

نکته‌ای که باید تذکر داد، مشخص کردن این موضوع است که ما بعنوان شاخه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در گیلان رسما اعلام می‌نمائیم که هیچگونه مسئولیتی در قبال حرکات فعلی و آتی سازمان‌شکنان و ماجراجویان چپ "اقلیت" نداشته و نداریم و از این رو خود را مسئول میدانیم که در مقابل کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان، توضیح دهیم که ما در کلی‌ترین و اصولی‌ترین مبانی مارکسیسم ـ لنینیسم با این جماعت اختلاف اصولی داریم و بدیهی است که دامنه انعکاس این اصولی‌ترین اختلاف در مبانی ایدئولوژیکی تا تمام موضع‌گیری‌های سیاسی و روزمره ما نیز کشیده خواهد شد. از این رو ما خود را در قبال تمام موضع‌گیری‌های "اقلیت" جداشده از سازمان، بهیچوجه مسئول نمی‌دانیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ شاخه گیلان
پنجشنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۵۹

قسمتی از اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه آذربایجان

در رابطه با انشعاب اقلیت

مردم آگاه و مبارز آذربایجان!

همانگونه که اطلاع دارید اقلیتی از سازمان ما انتشار نشریه‌ای با امضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انشعاب خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام کرد. با توجه به وظیفه سنگینی که در شرایط کنونی بر دوش سازمان ما قرار دارد، وظیفه خود می‌دانیم برای مقابله با نظرات انحرافی "اقلیت" و برای مقابله با برخوردهای یکجانبه و غیر مسئولانه آنها به مبارزه‌ای اصولی که صرفا در حیطه سیاسی ـ ایدئولوژیک خواهد بود، بپردازیم.

انشعابی که در سازمان ما انجام یافت، حاصل اوج‌گیری تضاد بین دو بینش اساسا متفاوتی بود که در درون آن وجود داشت. این دو بینش همراه با رشد جنبش توده‌ای و پیوند روزافزون سازمان با این جنبش هر روز فاصله بیشتری از هم گرفته و شکافی عمیق‌تر آن را از هم جدا ساخت.

"اقلیت" که در اساسی‌ترین اصول ایدئولوژیک با اکثریت سازمان تضاد داشت، دیگر نمی‌توانست در یک تشکیلات واحد با سازمان باشد. بنابراین انشعاب این گروه از رفقا امری حتمی و ناگزیر بود. ولی برخورد آنان با امرانشعاب که با شیوه‌ای دیگر ماهیت نظرات آوانتوریستی آنها را به نمایش گذاشت.

شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تاکید بر ناگزیری و ضرورت این انشعاب، شیوه برخورد "اقلیت" را با مسئله انشعاب غیر اصولی می‌داند و ضمنا متذکر می‌شود که هیچگونه مسئولیتی را در قبال حرکات و موضع‌گیری‌های "اقلیت" نمی‌پذیرد.

رفقا!

برعهده ماست که تمام نیرو و توان خود را برای برخورد با اپورتونیسم چپ و راست در درون جنبش کمونیستی بکار گیریم.

تاریخ وظیفه سنگینی را بر دوش ما گذاشته است. بکوشیم تا در سنگر استوار و پرشکوه مارکسیسم ـ لنینیسم پیکاری بی‌امان را با انحرافات جنبش کمونیستی به پیش رانیم و با وحدتی پولادین شکوفائی مارکسیسم ـ لنینیسم را دامن زنیم و تا پای جان پرچم برافتخار آرمان پرولتاریا را برافراشته نگاهداریم

با ایمان به پیروزی طبقه کارگر

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ شاخه آذربایجان
۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۹

موضع و سیاست....

بقیه از صفحه ۷

کمک‌های وسیع آن برخوردار است. روزنامه انقلاب اسلامی حساب این حزب را از ۵ گروه دیگر جدا کرده و دیگران را وابسته به آمریکا معرفی می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد موضع جریان‌های مختلف درون حکومت را نسبت به نیروهائی که با دولت مرکزی فاصله‌ای می‌جنگد به صورت زیر می‌توان جمع بندی کرد:

۱ـ خط سیاسی غالب در وزارت خارجه و شخص قطب زاده از ۶ گروه نامبرده حمایت می‌کند. به همه آنها کمک می‌کند. سیاست وی با سیاست پاکستان و امریکا در افغانستان کوچکترین تفاوتی ندارد. این سیاست صد در صد امپریالیستی است

۲ـ خط رئیس جمهور یکی از این ۶ گروه را از بقیه سوا می‌کند و آن را شایسته‌ترین حزب برای رهبری افغانستان می‌شناسد و از آن در برابر سایر گروه‌ها حمایت می‌کند. این خط گر چه دو پهلوست و فکر وابستگی افغانستان به امریکائی‌ها هم کمی آن را متوش ساخته است اما در جوهر خود تفاوتی با خط ورازت خارجه ندارد.

۳ـ خط حزب جمهوری اسلامی تمام این گروه را امریکائی می‌شناسد و با همگاری با آنها مخالف است. اما معتقد است که در افغانستان نیروهای ملی ومبرقی دیگری هستند که بار اصلی جنگ در افغانستان را بر عهده دارند ولی شناخته شده نیستند. آنها باید مورد حمایت قرار گیرند. این خط ضمن این که ضد امریکائی است اما از آنجائی که در افغانستان به دنبال موهومات رفته است و این توهم را دامن می‌زند که گویا در افغانستان علاوه بر گروه‌های امریکائی گروه‌های دیگری هستند که از موضع ضدامپریالیستی با دولت می‌جنگند عملا به سلنجات سیاست‌های امپریالیستی، کمک می‌کند.

ما معتقدیم که در افغانستان تمام گروه‌هائی که با دولت می‌جنگند به اعتراف خود احزاب و گروه‌های **اسلامی** هستند همه امریکائی‌اند و در جهت **اهداف** و مقاصد امپریالیست‌ها اقدام **می‌کنند**. ما ناگفون هیچ دلیل و **مدرک** مستند حاکی از وجود نیروهای **میهن** پرست، ملی یا مترقی که از **موضع** ضدامپریالیستی و انقلابی با **دولت** افغانستان وارد جنگ **شده** باشد به دست نیاورده‌ایم و هیچ **یک** از جریان‌های ضد امپریالیستی **نیز** تاکنون نتوانسته‌اند با یک چنین **نیروهائی** ارتباط حاصل کنند. از **همین** روست که اعلام کرده‌ایم که هر **نوع** کمک و حمایت از نیروهای **فئودالی** و امریکائی و مردود و **برخیزده** افغانی و هر نوع تسلیح به **نفع** این نیروها را خدمت کردن به **سیاست‌های** امپریالیسم امریکا **می‌شناسیم**. حمایت این موضع ضد **امپریالیستی** ما رور به روز آشکارتر **می‌شود**.

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۱

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت

۸ تیر

روز شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

افتخار برهمهٔ انقلابیون شهید:

اکنون ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا خاطره حماسه آفرین شهدای ۸ تیر ماه ، رفقا حمید اشرف و هم رزمان را زنده داریم . بر جانبازی و پایمردی رفقای شهید و عزم و ایمان همه شهیدان خلق ارج نهیم و از آن بیاموزیم . ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا بار دیگر میثاق خویش را با رفقای شهید تکرار کنیم که به آرمان سترگ آنان که مبارزه در راه استقلال میهن و محو سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و وصول به سوسیالیسم بوده است وفادار بمانیم و تمامی هستی خویش را در راه تحقق آن به کار بندیم

اکنون دفاع از حیثیت و شرف انقلابیون شهید ، دفاع از حقانیت همه خون‌هائی که در سال‌های سیاه دیکتاتوری شاه به دست دژخیمان ریخته شد و آموختن از جانبازی‌ها و فداکاری‌های رزمندگانی که در دل شب سلاح برگرفتند و سینه دژخیمان را نشانه رفتند ، وظیفه مبرم همه انقلابیونی است که نگران سرنوشت مبارزات خلق و خون شهدائی هستند که در راه بنای ایرانی مستقل ، آزاد و دمکراتیک جان باختند.

اکنون سخنانی شنیده می‌شود که کوشش دارد مبارزات خلق و ما و روزمندگان خلق را در سال‌های سیاه دیکتاتوری بی‌ثمر جلوه کند ، آن را لوث نماید یا با تحقیر و توهین و با تحریف حقایق از عظمت آن فداکاری‌ها و جانبازی‌ها بکاهد.

اکنون سخنانی شنیده می‌شود که دشمنانه از شهدا یاد می‌کند و می‌کوشد به مردم اینطور بگوید که گویا شهادت شهدای قهرمان جنبش مسلحانه در سال‌های سیاه در راه مردم و به خاطر مردم نبوده است.

در برابر این تحریفات و در برابر این کوشش‌ها ما دفاع از حیثیت و شرف انقلابیون شهید را با هر مرام و عقیده‌ای که داشته باشند ، قطع نظر از خط مشی و روش آنان در مبارزه با رژیم شاه ، وظیفه همه آنهائی می‌شناسیم که در راه رهائی میهن خویش از سلطه امپریالیسم ودر راه بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند.

ما با غرور و افتخار اعلام می‌کنیم که فدائیان خلق ، چه آنان که در کنکجه‌گاه‌ها حماسه آفریدند چه آنان که در میدان‌های تیر به خون غلطیدند و چه آنان که در زمگاه‌های خونین جان باختند عزیزترین و گرامی‌ترین فرزندان انقلابی این خلقند ، که مجاهدین خلق ، آنان که در راه خلق و با ایمان به آرمان خلق جاه باختند ، همه و همه فرزندان خلف این خلقند ، که دیگر شهدای خلق چه آنان که با ما هم عقیده بودند‌اند ، چه آنان که عقاید ما را نمی‌پذیرفتند ، همه و همه در راه رهائی این خلق محروم و زحمتکش ، در راه استقلال و آزادی میهن خود به استقبال شهادت شتافتند ، آنان یک به یک بسان ستاره‌ای سرخ بر تارک مبارزات حماسه آفرین خلق جاودانه‌اند.

چگونه است که امروز هم آنان که سالها رزیم شاه را سرنگارانه تحمل می‌کردند به مقامات رسیده‌اند و عنوان انقلابی بر خود نهاده‌اند؟ لیکن قهرمانانی که در شکنجه‌گاه‌های دژخیمان ، در راه استقلال و آزادی میهن خود سر از تسلیم گردانیده ، جان باخته‌اند این چنین مورد اهانت قرار می‌گیرند؟ خلق قهرمان ما هرگز اجازه نخواهد داد که بر سر اختلافات عقیدتی و سیاسی ، یا اختلافات بر سر خط مشی و برنامه مبارزه ، با به عنوان اختلافات مذهبی و غیر مذهبی ، خون شهدا را لوث کنند یا با نسبت دادن تهمت و افترا مقام این قهرمانان شهید را در انظار توده‌ها ناچیز جلوه دهند.

پرشور و پرخروش با اندیشه لنین:

از آن هنگام که سیزی جنگل‌های شمال به سرخی خون یاران ما آراسته شد ، از آن زمان که سازمان ، پر شور و پر خروش ، در جستجوی راه رهایی خلق جانبایه رهروان فدایی را مشعل راه ساخت تا به امروز که دهسال پیکار خونین در راه خلق را پشت سر می‌گذاریم ، راهی سخت و طولانی ، راهی سرشار از درس‌ها و تجارب بربار را بسپرده‌ایم . این راه هرگز آسان پیموده نشد . آنچه امروز ما بدان دست یافته‌ایم با خون‌صدها شهید و با دهسال پیکار خونین انقلابی گره خورده است . ده سالی که ۸ تیرها و ۲۰ فروردین‌های بسیار با خود داشته است.

و اکنون زمانی است که ما رزمندگان راه رهائی کارگران و زحمتکشان ، در عمل و در عرصه پیکارهای طبقاتی نشان دهیم که تا چه میزان شایسته میراث‌داری این گنجینه رزمندگی و فداکاری خونینیم؟

در سال‌های پیش ، در هر سنگرگاهی که فدائیان در محاصره‌ژخیمان به نبرد تا آخرین نفس بر می‌خاستند و فریاد "زنده باد کمونیسم" ، "زنده باد خلق" ، "مرگ بر امپریالیسم" ، "مرگ بر سرمایه‌داری" دل تاریک سحر را می‌شکافت ، هر بار که نفیر گلوله‌ها بر می‌خاست و شاخه‌ای از پیکر سازمان فرو می‌شکست و لاله گون در خون فرو می‌غلت ، در شاخه‌های دیگر این اندیشه از نو بر می‌شکفت که به راستی چگونه می‌توان "نفی به قدرت تاریخی توده زد"؟

اما تا جنبش عظیم خلق به فرمان تاریخ اوج گیرد و این اندیشه جنبشی در سرتاسر اندیشه سترگ و جهانشمول مارکسیسم ـ لنینسم به بستی نوین فرا روید ، چند سال گذشت.

آن زمان که میلیون‌ها زن و مرد هم میهنمان به پا خاستند و پایه‌های رژیم شاه را به لرزه آوردند و طومار عمر ساده‌ترین دیکتاتوری ایران را در هم پیچیدند ، آنگاه که توده از میدان "شهدا" تا میدان "آزادی" عظمت و شکوه نابرحساب خود را به نمایش می‌گذاشت . در سازمان ما سر کاکلی میان دو نیرو که یکی واقعیت قیام ، واقعیت قدرت توده‌ها و قانونمندی مبارزه طبقاتی را باور می‌کرد و دیگری که همچنان در بند سنداردهای عصر علنی و خیال‌پردازانه باقی مانده بود رو به اوج سپاه .

هر چه پیگار طبقاتی عمق و گسترش بیشتری می‌یافت ، اندیشه لنینی حقانیت تاریخی و جوهر علمی ، خلاق و غیر قابل انکار خود را در سازمان ما بیشتر به نمایش می‌گذاشت و رویاهای شیرین و خودساخته ، پیشداوری‌های شتاب زده‌ای که جوهر اندیشه لنین را غیر جهانشمول و بدین ترتیب آن را عملا در میهن ما بی اعتبار اعلام می‌کرد ، بیشتر و بیشتر ، ضعف و نقص و جوهر غیر علمی و بی اعتباری خود را بر ملا می‌ساخت . هر روز بیشتر ثابت می‌شد که شور و ایمان و صداقت انقلابی و جانبازی حماسه آفرین فدائی که همه هستی خویش را در راه خلق می‌نهد ، تنها و تنها آنگاه که با اندیشه لنینی‌پیوند یابد ، تنها وقتی با تئوری انقلابی و قانونمندی مبارزه طبقاتی در آمیزد ، به اهرمی تبدیل می‌شود که قادر است نیروی دوپاینساز و تاریخی توده‌ها را برانگیزد ، این نظم طبقاتی را استثمار را بنا نهد.

شور و ایمان و صداقت انقلابی و جانبازی حماسه آفرین فدائی که همه هستی خویش را در راه خلق می‌نهد ، تنها و تنها آنگاه که با اندیشه لنینی پیوند یابد ، تنها وقتی با تئوری انقلابی و قانونمند مبارزه طبقاتی درآمیزد ، به اهرمی تبدیل می‌شود که قادر است نیروی دوپاینساز و تاریخی توده‌ها را برانگیزد ، این نظم طبقاتی را استثمار را بنا نهد.

اما مبارزه میان خیال‌پردازی و اندیشه لنینی به سادگی به پیروزی نرسید . اولین پلنوم سازمان عملا راه اقلیتی را که نمی‌خواست چشم خود را به روی واقعیت بگشاید از راه اکثریتی که بازگشت به اندیشه لنینی را پیشه کرده بود جدا ساخت . مسلم است که این دو راه متفاوت نمی‌توانست به شکل‌گیری اختلاف نظر در تمام زمینه‌های مربوط به سیاست جاری سازمان ، شیوه‌های سازماندهی ، تشخیص موقعیت و اشکال مبارزه نینجامد . و چنین نیز شد . سرانجام اقلیت انشعاب کرد . انشعابی که از لحاظ ایدئولوژیک خود یک پیروزی بزرگ برای اندیشه پویای مارکسیستی ـ لنینیستی در سازمان ما بود . سطح آگاهی در سازمان در حدی رشد یافته بود که بینش گذشته سنگر مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی را رها ساخت ، از سازمان انشعاب کرد تا در سطح جنبش جائی برای تبلیغ و ترویج ایده‌هایی که غیر علمی بودن آنها در عمل به اثبات رسیده است ، بیابد.

اکنون ، پس از انشعاب رفقای اقلیت ، بر ماست که با حفظ وحدت و یکپارچگی سازمان ، در راه پیشبرد هرچه بیشتر مبارزه ایدئولوژیک برای زدودن عقاید و افکار غیر کمونیستی از جنبش کمونیستی و دست یابی به وحدت اصولی در سطح آن ، در راه تامین و تقویت مرکزیت دمکراتیک ، در راه تدوین و تکمیل تئوری‌های انقلاب ، برنامه استراتژی و تاکتیک انقلاب ، در راه ارتقاء سطح آگاهی و تشکل وسیع‌تر توده‌ها و در رأس همه طبقه کارگر و شرکت‌فعال در جنبش ضدامپریالیستی دمکراتیک خلق‌های ایران ، در راه گسترش پیوند با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و سخن گوناگ

بقیه در صفحه ۱۲

درود بر شهدای ۸ تیر ـ درود بر همه شهدای خلق

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۲

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ...

بقیه از صفحه ۱۱

با گام‌های استوار در راه تدارک حزب مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر ایران ، پر جوش و پر خروش‌تر از پیش تلاش کنیم و به پیش تازیم .

ضرورت مبرم حفظ دستاوردهای قیام برای بسیج طبقه کارگر:

مبارزات پر شکوه توده‌هائی که با قیام بهمن‌ماه رژیم شاهنشاهی را به گور سپرده‌اند ، هم اکنون در سراسر ایران ، در کارخانه و مزرعه ، در هر کوی و برزن ، در شهر و در روستا چون سیلی خروشان بر پهنه ایران جاری‌است .

مبارزه کارگران ، دهقانان ، کارمندان ، پیشه‌وران ، سربازان ، درجه‌داران ، روشنفکران و روحانیون آگاه ، مبارزه‌ای که در آن زنان و مردان میهن پرست فعالانه‌بر علیه امپریالیسم و متحدان داخلی و دوستان آن ، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ ، فئودال‌ها ، سرمایه‌داران لیبرالی که در احزاب و باندهای سلطنت طلب و دسته‌های مسلح خان‌های مزدور و شبکه‌های ضد انقلابی درون ارتش و محافل‌لیبرالی متحد شده‌اند ، شرکت دارند . مبارزه آنان برای تامین استقلال کار مسکن : آزادی برای رسیدن به ایرانی آزاد و دمکراتیک نه تنها از حرکت نایستاده ، بلکه هر روز که می‌گذرد نشانه‌های امید بخش‌تری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق ، از حفظ و گسترش دستاوردهای قیام و تشکل توده‌های‌میلیونی حول سازمان‌های انقلابی عیان و آشکار می‌گردد . و درست به همین دلیل است که امپریالیسم امریکا و شبکه‌های وسیع دوستان و جاسوسان آنان در ایران ـ که پس ازقیام بهمن ماه بر اثر مماشات و سازشکاری مستمر دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند ـ سخت به تکاپو افتاده ، می‌کوشند با بهره‌برداری از ضعف‌ها و ناتوانی‌های جمهوری اسلامی و به ویژه به اتکای موقعیت لیبرال‌ها در حکومت هر چه زودتر یک‌حکومت دست نشانده خود را روی کار آورند و به دست‌آن حکومت تمام دستاوردهای قیام توده‌ها را محو و نابود سازند .

نگرانی امپریالیسم امریکا از اوضاع ایران به وجود نیروهای ضد امپریالیست در حکومت که از استقلال ایران‌دفاع می‌کنند محدود نمی‌شود . نگرانی امپریالیست‌ها از اوضاع ایران به ویژه وقتی صورت جدی به خود می‌گیرد که می‌بیند دراین جمهوری بر پایه وجود همین خصوصیت هر روز که می‌گذرد جنبش انقلابی خلق عمق بیشتری‌می‌یابد . عمقی که بازتاب آن در رشد چشمگیر سازمان‌های انقلابی و پیشرو متجلی است و می‌رود که بساط غارتگری‌های امپریالیستی و بندهای وابستگی را دچار ضرباتی بس مهلک‌تر سازد و زیر پرچم ظفر نمون طبقه کارگر و در اتحاد با دیگر زحمتکشان میهنمان ، ایران را به گورستان‌تاریخی دیگری برای امپریالیسم جهانی‌به سرکردگی امپریالیسم امریکا بدل گرداند .

گوئی تاریخ تکرار می‌شود ، همانگونه که امپریالیسم امریکا از بیم رشد انقلاب ، از فکر سازش با حکومت دکتر مصدق چشم پوشید و با تدارک کودتای نظامی راه را بر رشد جنبش انقلابی خلق ما باز بست . اکنون نیز چشم انداز رشد شتابان آگاهی و تشکل توده‌های انقلابی وی را چنان به هراس افکنده است که با توسل به فشار محاصره اقتصادی ، با سازماندهی دسته‌جات ضد انقلاب درون ارتش با مسلح کردن فئودال‌های خائن و سرسپرده در فارس ، بلوچستان ، خوزستان و دیگر جاها ، با راه انداختن رادیوهای تبلیغاتی به منظور فریب مردم و دلسرد کردن آنها از انقلاب ، با کار شکنی در صنایع نفت و دیگر رشته‌های اساسی تولید که طرح و برنامه آن توسط مدیران‌وابسته به شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم به اجرا گذاشته می‌شود و بالاخره با کوشش در جهت بدبین کردن مردم نسبت به نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی و نسبت به آینده روشن انقلاب ، زمینه را برای نابودی دستاوردهای قیام توده‌ها فراهم‌می‌آورد .

به اعتقاد ما در چنین شرایطی تنها اتحاد نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه با انقلابیون کمونیست و بسیج توده‌های میلیونی بر پایه این اتحاد است که زمینه و نیروی لازم را برای مقابله با امپریالیسم امریکا و حفظ دستاوردهای قیام فراهم می‌آورد . تنها چنین اتحادی است که می‌تواند در مقابل تلاش‌هائی که از جانب باندهای ضدانقلاب در ارتش ، احزاب و محافل لیبرالی درون حکومت و بیرون آن ، دسته‌جات مسلح فئودال‌های خائن و بقایای ساواک منحله و دیگر عوامل فراری رژیم سابق و نقشه‌های نظامی و غیر نظامی امپریالیست‌ها که به قصد روی کار آوردن هر چه سریعتر یک حکومت سر سپرده امریکا طرح ریزی شده است ، ایستادگی کرده و به مقابله انقلابی با آن برخیزد .

سازمان ما با کوشش در راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه ، منطقی ترین و شناخته شده‌ترین سیاست را برای گسترش جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق برگزیده است . سازمان ما سیاستی را برگزیده است که منطقی‌ترین و شناخته شده‌ترین راه را برای آگاه کردن و سازمان دادن مبارزه طبقه کارگر و دیگر توده‌های‌زحمتکش خلق هموار می‌گرداند .

ما به عینه می‌بینیم که به اتکای شرایط بسیار مساعد کنونی شتاب رشد آگاهی و تشکل توده‌ها از قیام تابه امروز به هیچ وجه قابل مقایسه با مجموع رشد آگاهی توده‌ها ، طی ۱۵ سال یا حتی ۲۵ سال پیش از آن نبوده است . نباید اجازه داد که عوامل ضدانقلاب و شبکه‌های دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا ، با بهره‌گیری ضدانقلابی از نارضایتی توده‌ها به نفع خود ، توده‌ها را در شناخت دوستان و دشمنان خود سر در گم و منفعل سازند و راه‌را برای اجرای نقشه‌های ضد خلقی خود فراهم سازند و این شرایط بسیار مساعد بسیج و تشکل انقلابی توده‌ها را برای سال‌های متمادی دیگر به نابودی کشانند .

ما این سیاست را پیگیرانه به پیش خواهیم برد و خوب می‌دانیم که در پیشبرد این سیاست با انواع و اقسام تهمت‌ها ، سم پاشی‌ها و

> سازمان ما سیاستی را برگزیده است که منطقی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین راه را برای آگاه کردن و سازمان دادن مبارزه طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش خلق هموار می‌گرداند .

عوامفریبی‌ها از جانب محافل مختلف روبرو خواهیم بود . شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم که هم اکنون در باندهای ضد انقلابی متشکل شده‌اند ، دار و دسته‌های جاسوسان سه جهانی و لیبرال‌ها بیشترین کینه را با این سیاست ما خواهند داشت . آنان از پراکندن هیچ دروغی علیه ما خودداری نخواهند کرد .

از طرف دیگر نیروهائی که دست بالا را در حکومت دارند ، با وجوداین که خود مخالف سلطه امپریالیست‌ها و وابستگان داخلی آنها هستند ، با این همه سیاست مخالفت و حتی دشمنی با سازمان‌های انقلابی و مترقی را در پیش گرفته‌اند . تبلیغات خصمانه آنان علیه سازمان ما و سازمان مجاهدین خلق ایران تاکنون بیشترین ضربات را به وحدت مردم ما در برابر دشمنان آزادی و استقلال میهنمان وارد آورده است . آنها با این سیاست خود اختلافات بین مردم را دامن میزنند و از تشدید این اختلافات بیش از همه دشمن‌اصلی ما که امپریالیسم امریکاست بهره‌برداری‌می‌کند . رادیو تلویزیون اکنون بیش‌از پیش به تبلیغ علیه فدائیان و مجاهدین پرداخته است تا شاید بتواند مردم را نسبت به سازمان‌های انقلابی بدبین سازد . اما این سیاست بیش از آنچه به زیان سازمان‌های انقلابی تمام شود به زیان مجریان آن تمام خواهد شد . سیاست‌های تفرقه‌اندازی در صفوف خلق و اقدامات وحدت شکن آنها در میان توده‌ها بیش از همه مجریان آن را تضعیف می‌کند . نگاهی به کارنامه حزب جمهوری اسلامی در ۱۶ ماه اخیر بهترین شاهد این مدعاست . اقدامات تفرقه‌اندازانه آنها تنها به تشدید این تبلیغات محدود نمی‌شود . آنها انقلابیون خلق را کینه توزانه به جوخه اعدام می‌سپارند . آنها اخیرا دکتر نریمی‌سا پزشک آگاه و مبارز را به علت مداوای انقلابیون و توده مردم بعد از چند ماه بازداشت در اهواز ناجوانمردانه به جوخه اعدام سپرده‌اند .

آنها در حالی که بیکاری تشدید شده است و فشار زندگی روز به روز مردم را بیشتر در تنگنا قرار می‌دهد ، هم اکنون با اعمال‌فشار برای اجباری کردن حجاب در ادارات عملا زمینه مناسبی برای تبلیغات ضدانقلاب و بهره‌برداری آن فراهم آورده‌اند .

آنها با اخراج وسیع کارگران و کارمندان آگاه و مبارز از کارخانه‌ها و ادارات ، تشدید جنگ در کردستان و عدم توجه به خواست‌های پرسنل مبارز ارتش ومحدود کردن‌آزادی‌های دمکراتیک ، وحدت نیروهای ضدامپریالیست را خدشه‌دار کرده و به این مبارزه آسیب جدی وارد می‌سازند .

هم اکنون همه از خود می‌پرسند که نتیجه ادامه این سیاست‌ها چه خواهد شد؟ نتیجه این سیاست که دشمنی با استقرار صلح در کردستان را در سر لوحه برنامه‌های خودقرار داده است چه خواهد شد؟ به اعتقاد ما این سیاست‌ها به زیان وحدت و همبستگی مردم میهنمان ، به زیان جنبش ضد

> ما مسئولیت حفظ صلح و مبارزه در راه استقرار آن را تا آنجا که در توان داریم برعهده گرفته‌ایم .

امپریالیستی خلق و بیش از همه به زیان مجریان آن تمام خواهد شد .

اما در برابر تمام این فشارها و در برابر تمام این سیاست‌ها ، در مقابل تمام‌شایعه‌پراکنی‌ها و تبلیغات مسموم کننده ، ما موکدا اعلام می‌کنیم که از سیاست مردمی ، ضدامپریالیستی و مسئولانه خود دست نخواهیم کشید .

زیرا که معتقدیم تنها راه تدارک پیروزی کامل انقلاب ، تنها راه ممانعت از شکست انقلاب ، تشکل و بسیج توده‌های وسیع مردم حول سازمان‌های مترقی و انقلابی خلق است . آنان که به جای آگاه کردن توده‌ها ، به جای سازماندهی و بسیج توده‌ای ، بدون جلب و حمایت وسیع توده‌ها بدون‌توجه به سطح تکامل و آمادگی‌های جنبش انقلابی خلق و نقش جنبش انقلابی طبقه کارگر در آن ، عملا راه واژگونی این رژیم را در پیش گرفته‌اند ، قطع نظر از این که نیت آنها چه باشد ، هم اکنون دارند با سیاست‌های امپریالیستی همسوئی می‌کنند و آب به آسیاب وی می‌ریزند . ولی ما قاطعانه سیاستی را به پیش‌خواهیم برد که به سود بسیج هر چه وسیع‌تر طبقه کارگر این پیگیرترین نیرو در مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق است . و آنچه به سود خلق است ، دیر یا زود ، اما سرانجام حقانیت تاریخی آن در انظار میلیون‌ها توده‌های هم میهنمان به اثبات خواهد رسید . آنچه به سود خلق است قطعا پیروز خواهد شد .

بقیه‌درصفحه۱۳

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۳

پیام

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ...

بقیه از صفحه ۱۱

امروز مقابله با توطئه‌های باندهای ضد انقلاب ارتش، متلاشی کردن محافل و باندهای ساواکی فعال شده در سراسر ایران، سرکوب دسته‌های فئودالی و سران مرتجع عشایر در فارس، خوزستان، بلوچستان و دیگر نقاط ایران کشف و نابودی شبکه‌های سلطنت‌طلبان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در درون دولت جمهوری اسلامی ایران و خارج از آن وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی است.

هر نیروی انقلابی باید بمردم میهنمان توضیح دهد که احزاب و محافل لیبرال که در دستگاه حکومتی لانه کرده‌اند مورد تائید و حمایت امپریالیسم جهانی هستند، افتا و خیز آنان از صفوف مردم وظیفه هر نیروی انقلابی است. در خارج از حکومت نیز جریان‌های لیبرالی که مورد حمایت امپریالیسم قرار داشته و هم اکنون در اینجا و آنجا به قهر آشکار ضدانقلابی توسل می‌جویند، متشکل می‌شوند. یک جناح از روحانیت هم مدافع وپشتیبان آنهاست. این دستجات که رادیوهای امپریالیستی بیش از همه به نفع آنان تبلیغ می‌کنند، هم اکنون نقاب آزادیخواهی و تجدد طلبی به چهره زده‌اند. آنها دشمن خلق هستند و وظیفه ماست که با قدرت در راه افشاء و نابودی این کانون‌های ضدانقلابی و ضد خلقی به مقابله برخیزیم.

هر نیروی انقلابی باید به مردم توضیح دهد که سیاست برخی از محافل مذهبی و روحانی که خود مخالف با سلطه امپریالیسم امریکا و مخالف روی کار آمدن یک رژیم سرسپرده هستند با تبلیغ علیه نیروهای ضدامپریالیست و مترقی به ویژه فدائیان خلق عملا آب به آسیاب امپریالیسم امریکا می‌ریزد. آنها سیاست‌هائی را پیش می‌برند که گرانی، قحطی، بیکاری را تشدید می‌کند، که فشار زندگی به دوش زحمتکشان را افزایش می‌دهد آنها با این سیاست‌هایی که پیش می‌برند عملا راهگشای روی کار آمدن حکومتی می‌شوندکه هم خود آنان و هم همه اقشار و طبقات خلق را سرکوب خواهد کرد. تجربه تاریخی ۲۸ مرداد پیش روی ماست. باید درک کنیم که حفظ دستاوردهای قیام برای بسیج و تشکل طبقه کارگر دارای چه اهمیت اساسی است.

ائتلاف و روشنگری ما باید در خدمت اتحاد عمل همه نیروهائی در آید که با امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داری وابسته مبارزه می‌کنند. روشنگری ما نباید زمینه‌های اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست را تضعیف کند و مورد بهره‌گیری عوامفریبی نیروهای مرتجع و ضدخلقی قرار گیرد این ائتلاف باید اذهان توده‌ها را به منافع خویش واقف گرداند و اعتماد میلیون‌ها توده زحمتکش را نسبت به ائتلابیون کمونیست گسترش دهد و تحکیم بخشد. و این تنها به شرطی میسر است که ائتلاف ما به تجربه عینی مستقیم و بلاواسطه توده مردم، تجربه‌ای که آن را در جریان مبارزات روزمره خود کسب میکنند متکی گردد.

این ائتلاف و این روشنگری باید امکانات پیشروی انقلابی را برای فعالیت تبلیغی و ترویجی میان توده‌ها و در راس آن در میان طبقه‌کارگر بازتر کند نه آنکه در کارخانه، در محله، در روستا و در مدرسه و دانشگاه، جدائی عناصر آگاه از توده ناآگاه را تشدید کند و در محیط‌های توده‌ای به پراکندگی آنان یاری رساند. این ائتلاف و این روشنگری اگر نه تشدید خفقان و سرکوب شیء فاشیستی منجر شود نه به سود آگاهی طبقه کارگر بلکه به سود دشمنان طبقه کارگر، که همواره در صدد منفرد کردن عناصر پیشرو و محدود کردن آزادی‌های دمکراتیک می‌باشند، عمل کرده است. محکم‌ترین پشتوانه این سخن تجربه یک سال فعالیت تبلیغی ـ ترویجی وکار آگاهگرانه میان مردم زحمتکش است.

ما باید خوب فرا گیریم که فعالیت کمونیست‌ها باید در خدمت تضعیف و نابودی عمده‌ترین دشمنان طبقه کارگر و در خدمت تقویت و تحکیم شرایط دمکراتیک با هدف تقویت بسیج سوسیالیستی نیروهای پیشرو و توده میلیونی قرار گیرد. افشاگری هدف نیست، اما وسیله نیرومندی است که چنانچه در خدمت یک سیاست اصولی، درست و انقلابی در آید، به استناد تجربه ۱۶ ماهه اخیر ما خلاقانه‌ترین نتایج را در زمینه بردن آگاهی به میان توده‌ها فراهم خواهد آورد این تجربه به ما آموخته است که چگونه می‌توان یک تاکتیک را باقدرت تمام در خدمت بردن آگاهی به میان توده‌ها و گسترش پیوند با توده‌ها قرار داد و آن را واقعا به نیروئی مادی، انقلابی و سازمان یافته تبدیل کرد.

بسیج سوسیالیستی طبقه کارگر اساسی‌ترین وظیفه ماست. اما این بسیج چگونه میتواند واقعا تحقق یابد؟ هم اکنون عمده‌ترین خطری که مبارزه در راه تشکل و آگاهی طبقه کارگر را تهدید می‌کند همانا پاپمال شدن پیروزی‌های قیام و تکرار تجربه‌ای است که خلق محروم و ستمکش ما سالها درد و رنج آن را به جان خریده است. بکوشیم تا با حفظ دستاوردهای قیام، تا با گسترش آزادی سیاسی و حفظ فضای دمکراتیک، از طریق گسترش همکاری و همگامی و اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست راه را برای تشکل و آگاهی هر چه سریعتر طبقه کارگر این پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق و پیروزی کامل بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا باز گشائیم.

در راه استقرار صلح عادلانه درکردستان:

تلاش گسترده و همه جانبه‌ما در جهت استقرار هر چه سریعتر صلح عادلانه در کردستان نیز باید در رابطه با همین سیاست مورد ارزیابی قرار گیرد ما ادامه جنگ در کردستان را به سود امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن و به زیان وحدت خلق‌های قهرمان میهنمان می‌شناسیم ما تداوم جنگ در کردستان را به زیان عمومی، به زیان گسترش پیشرو انقلابی در میان توده‌ها، به زیان گسترش پیوند با طبقه کارگر و گسترش بسیج سوسیالیستی آن می‌شماریم. ادامه این جنگ وحدت نیروهای ضدامپریالیست را در برابر امپریالیسم امریکا، صهیونیسم اسرائیل و رژیم عراق تضعیف می‌کند و مانع از آن است که نیروهای ملی ومردمی خلق کرد بطور فعال برای سرکوب باندهای ضدانقلاب وابسته به رژیم عراق که هم اکنون در کردستان در حال تقویت پایگاه‌های خود هستند، وارد عمل شوند.

باندهای ضدانقلابی و سرسپرده درون ارتش نیز می‌کوشند تا با دامن‌زدن به این جنگ مواضع خود را در ارتش همچنان حفظ کنند و روز به روز آن را تقویت نمایند. ادامه‌جنگ به سود هیچ یک از خلق‌های میهنمان نیست. مسئله کردستان از طریق جنگ حل نخواهد شد. تنها از طریق مبارزه در راه صلح عادلانه و قطع درگیری نظامی است که راه برای‌حل مساله کردستان در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی هموار می‌گردد.

امروز ما از هر کوششی که منجر به استقرار صلح عادلانه در کردستان، در چارچوب جمهوری اسلامی گردد، استقبال خواهیم کرد. ما نظرات و راه حل‌های منطقی و اصولی خود را با مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در میان نهاده‌ایم. ما میکوشیم از هر اقدامی که موجب تشدید، گسترش و ادامه جنگ شود، جلوگیری کنیم. ما با همه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست که در این راه گام بردارند، همکاری خواهیم کرد. ما برای استقرار صلح در کردستان گروگان‌های ارتشی و پاسدارانی را که در اختیار داشتیم بدون قید و شرط آزاد کردیم. ما مسئولیت حفظ صلح و مبارزه در راه استقرار آن را تا آنجا که در توان داریم بر عهده گرفته‌ایم. در شرایط کنونی استقرار صلح به ویژه از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که اقتصادی کردستان، با اعدام فرزندان راستین خلق کرد، با دست زدن به اقدامات تحریک آمیزی که نشانی از مسئولیت و آینده‌نگری و واقع بینی در آنها نیست، اکنون عملا مانع از آن می‌شوند که زمینه‌های برقراری صلح و دوستی میان خلق‌های میهن ما کمافی است در چشم امپریالیسم امریکا، فراهم شود.

قطع‌نامه‌ای که به امضای ۱۲۰ نماینده مجلس شورای اسلامی درباره کردستان‌انتشار یافته است گویاترین سندی است که شاهد سخن ماست.

مردم میهن ما باید این قطع‌نامه را بخوانند و بدانند که کدام نیرو خواستار صلح و دوستی میان خلق‌هاست؟ کدام نیرو خواستار اتحاد و همبستگی خلق‌ها در مبارزه علیه دشمن اصلی ما امپریالیسم امریکاست؟ و کدام نیرو بر پایه تعصبات فشری و مذهبی به جنگ برادرکشی در کردستان دامن می‌زند و نمی‌گذارد بین‌خلق‌های‌قهرمان ما صلح و دوستی برقرار شود.

سیاست‌های حاکم بر دولت جمهوری اسلامی ایران مناسب‌ترین زمینه را برای بهره‌برداری عوامل رژیم عراق، فرماندهان فراری شاه و همه محافل وابسته به امپریالیسم فراهم ساخته و بهترین خوراک تبلیغاتی را برای‌رادیوهای امپریالیستی فراهم آورده است که توده‌ها را بفریبند و نگذارند صلح و دوستی میان خلق‌های میهن ما برقرار شود و بازو در بازوی هم علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلق ما و همه آبادی مزدوش پیکاری بی‌امان و تاریخ‌ساز را به پیش رانند. هم اینک این سیاست مقامات جمهوری اسلامی ایران در کردستان بیش از همه به سود نیروهای ضدانقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم تمام می‌شود و درست به همین دلیل است که امروز مسئولیت ضربانی که ادامه جنگ در کردستان به دستاوردهای مبارزات مردم ما وارد می‌کند بیش از همه بر عهده دولت جمهوری اسلامی است.

ما اعلام می‌داریم که اگر دولت واقعا خواستار ادامه جنگ برادرکشی در کردستان نیست چرا آتش بس را نمی‌پذیرد؟ چرا به محاصره اقتصادی کردستان پایان نمی‌دهد؟ چرا با نمایندگان واقعی و منتخب خلق کرد بر سنای طرح ۶ ماده‌ای وارد گفتگو نمی‌شود؟ چرا دولت این اعدام را صادر کرده است؟ چرا زمینه را برای بدترین تحریکات و ادامه جنگی که خود نمی‌داند به کجا می‌انجامد

بقیه در صفحه ۱۴

نگرانی امپریالیسم امریکا از اوضاع ایران به وجود نیروهای ضدامپریالیست در حکومت که از استقلال ایران دفاع می‌کنند محدود نمی‌شود. نگرانی امپریالیست‌ها از اوضاع ایران بهمپژه وقتی صورت جدی به خود می‌گیرد که می‌بینند در این جمهوری بر پایه وجود همین خصوصیت هر روز که می‌گذرد جنبش انقلابی خلق عمق بیشتری می‌یابد.

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۲

اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام در مورد

انشعاب «اقلیت» از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اخیرا بخش "اقلیت" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با انتشار ارگانی تحت عنوان "کار" عملا دست به انشعاب از این سازمان زده است که ما خود را ملزم می‌دانیم نظرات و دیدگاههای خود را در مورد آن روشن سازیم:

۱ـ ما معتقدیم که بدون وحدت در بنیادهای ایدئولوژیک، وحدت ارگانیک در چهارچوب یک تشکیلات کمونیستی امکان‌پذیر نخواهد بود و تضادهای ایدئولوژیک که بازتاب تضادهای طبقاتی در درون جنبش سازمانی است، آنگاه که بر بستر رشد مبارزه طبقات عمق یابند و به عاملی بازدارنده در مقابل حرکت اصولی آن تبدیل شوند، بناچار کار را به جدائی می‌کشانند. برهمین مبنا چون شکل گیری "اکثریت" و "اقلیت" در درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اساسا حول چگونگی برخورد با بینش گذشته سازمان چریکهای فدائی خلق ایران صورت گرفته است. انشعاب را عمدتا ناشی از ادراکات متفاوت از عالی‌ترین اصول ایدئولوژیک دانسته و آن را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانیم (ضمن آنکه معتقدیم که این تفاوت در تحلیل‌های مشخص (حاکمیت و...) بازتاب طبعی خود را خواهد داشت

۲ـ علیرغم اجتناب‌ناپذیر دانستن این انشعاب حرکت انحلال‌طلبانه و گروه‌گرایانه "اقلیت" را که به انشعابی غیر اصولی و نابالغ منجر شده است، حرکتی برخلاف منافع طبقه کارگر و توده‌های میهن می‌دانیم. ما آن انشعابی را سالم می‌دانیم که به دنبال یک مبارزه ایدئولوژیک مستمر صورت می‌گرفت و به روشن‌تر شدن خط فاصل‌های اصولی بین "اکثریت" و "اقلیت" در ذهن انبوه هواداران می‌انجامید.

۳ـ سازمان دانشجویان* پیشگام، ضمن اعتقادات ایدئولوژیک "اقلیت" (پذیرش بینش گذشته به انحاء مختلف) را انحرافی اصولی دانسته و مواضع و نقطه نظرات "اقلیت" را به عنوان مواضع تشکلات سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به رسمیت نمی‌شناسد و نیز انتشار ارگانی تحت عنوان "کار" را با آرم و اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از طرف "اقلیت" را به زیان جنبش و فاقد سندیت می‌داند.

۴ـ ما هرگونه سوء استفاده و برخورد فرصت‌طلبانه از جانب محافل و کانونهای ضدانقلابی، جریانهای گوناگون وابسته به حاکمیت و نیز اپورتونیسم راست و چپ را در این رابطه محکوم نموده و با تمامی توان خود در افشای چنین سیاستهائی خواهیم کوشید.

سازمان دانشجویان پیشگام
۲۹ خردادماه ۱۳۵۹

*قسمتی از مقاله "پیشگام به پیش" نقل از نبرد دانش‌آموز ارگان سراسری دانش‌آموزان پیشگام

پیشگام به پیش!

قیام که رژیم عریان طبقات بود، به پیشاهنگان خلق همچون تمام توده‌ها درسهای گرانبهائی داد و دانستند چگونه است که "قیام‌کار توده‌هاست" و سازمان به درستی رفت که پس از قیام با جنبش طبقه کارگر ایران پیوند گیرد و گام به گام در ارتباط با توده‌ها به اصلاح خطاها و زدودن پیرایه‌های غیر مارکسیستی از خویش بپردازد و چنین شد. هر بارکه صراحتش در سمت‌گیری به سوی طبقه کارگر آشکارتر شده، بخشی از نیروهائی را که در این سمت‌گیری همگامش نبوده‌اند، از دست داده اما باز هم این سازمان است که به چهره واقعی‌اش یعنی پیشاهنگ طبقه‌کارگـــر نزدیک‌تر شده و کارگرانی که سازمان را آشناتر به خویش یافته‌اند، یا گام‌های استوارتر به سویش آمده‌اند.

مارکسیسم به ما آموخته است که مبارزه واختلاف ایدئولوژیک درون یک سازمان انعکاسی از همان واقعیات مبارزه طبقات در جامعه است. بدین لحاظ است که برخورد با مسئله انشعاب. برخورد با یک مسئله طبقاتی است، یعنی جدائی در تفکر که باهم در تضاد افتاده‌اند، که فقط یکی از آنها متعلق به طبقه کارگر است.

واقعیت و تجارب روزمره زندگی به ما آموخته است که این اکثریت اعضای سازمان بودهاند که‌تاکنون بدحوبی به وظایفشان در قبال جنبش عمل کرده‌اند. آنگاه که تضاد بین بینش گذشته سازمان، و واقعیت مبارزه طبقات بود، به شجاعت یزرم مارکسیسم ـ لنینیسم را بالا کشیدند و آنگاه که سفارت امریکا اشغال شد یرچم مبارزه ضد امپریالیستی را فراتر از یبرق دیگران برافراشتند.

امروز جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ایران، در وضعیت حساسی است. از آنجا که حاکمیت از پاسخ‌گوئی به خواست‌های مردم میهن‌مان ناتوان بوده، نارضایتی‌ها هر روز اوج بیشتری می‌گیرد و از آنجا که نیروهای ترقیخواه آنچنان که باید نتوانسته‌اند توده‌های ناراضی از حکومت را زیر چتر خویش گرد آورند این نیروهای وابسته به امپریالیسم‌اند که تلاش برای سمت دادن نارضایتی‌ها را به سوی خود و به سود خود آغاز کرده‌اند.

و چنین است که جنبش کمونیستی ایران لحظات سرنوشت‌سازی را ازسر می‌گذراند. آزمون سختی در مقابل جنبش ما قرار گرفته است. سازمان در گذشته روزهای سخت کم نداشته است و این بار هم در سرد یا سکلات سر بلند بیرون می‌آید. در شرایط کنونی اوضاع جنبش به گونه‌ای است که مسئولیت هر چه بیشتری را به دوش‌هواداران سازمان و طبقه کارگر ایران نهاده است. ما می‌کوشیم تا آنجا که در توان داریم بدین مسئولیت عمل کنیم.

به پیش برای پیروزی جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌هـــای قهرمـــان ایـــران
به پیش برای نابودی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

دانش‌آموزان پیشگام ایـــران
۲۳ خردادماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۳

پیـــام . . .

فراهم می‌کند؟ دولت جمهوری اسلامی ایران با ادامه جنگ به قحطی، گرانی، بیکاری و بحران اقتصادی بیشتر پیش دامن می‌زند. در برابر این خط مشی و این سیاست دولت جمهوری اسلامی، ما سخن خود را پیرامون مساله کردستان با تکرار این حقیقت به پایان می‌بریم که:

نه قشون کشی به کردستان، نه صدور احکـــام اعدام، نه محاصره اقتصادی و نه تبلیغ و تحریک علیه خلق کرد، هیچکدام راه به جائی نخواهد برد. تنها راه‌منطقی و واقع‌بینانه برای فرازی فوری آتش بس، قطع محاصره اقتصادی و تامیـــن خواست‌های حقه خلق کرد در چارچوب‌جمهوری اسلامی ایران بر اساس طرح ۴ بادهای است.

هیچ نمیهمان نمیرد؟

در هفته‌های اخیر، همزمان با افزایش تلاش‌های ما برای استقرار صلح در کردستان که برای وحدت ضد امپریالیستی خلق‌های ایران ضروری است شبکه‌های جاسوسی رسمی و غیر رسمی امپریالیسم امریکا خصوصا حزب رنجبران، به تبلیغات و تبانیات بی‌سرمایه‌ای علیه سازمان پرداخته‌اند.

این محافل که از تعمیق وگسترش مبارزات ضـــد امپریالیستی توده‌ها و به خطر افتادن منافـــع امپریالیسم جهانی بحت به وحشت افتاده‌اند، می‌کوشند با یاوه‌سرائی‌هائی که "دنباله شاه سالها سلح آن بوده است"، سازمان ما را که همواره به نیروی خلق کشیرمان متکی بوده و خواهد بود وابسته به نیروهای خارج از ایران وانمود سازند. تبلیغات و اقدامات ردیفانه این محافل که از جانب فرصت‌طلبان چپ و راست نیز دامن زده می‌شود، همگی عزم انقلابی ما را در مبارزه به خاطر استقلال کامل میهنمان ایران و در راه آرمان طبقه کارگر راسخ‌تر خواهد ساخت.

بگذار دشمنان طبقه کارگر آخرین حربه‌های شناخته شده خود را هم به کار گیرند. بگذار یاوه‌سرائی کنند. سمل تبلیغات و شایعات بوچ و دروغین آنان علیه انقلابیون کمونیست خطیرتر از آن است که جبری از اعتبار و حقانیت جنبش کمونیستی ایران بکاهد. این سلیعات زبون‌تر از آن است که انقلابیون کمونیست، فدائیان خلق را به انفعال بکشانند. این تلاش‌های آنان سترا همه نمایشی است از صحنه مرگ محتومشان که خود تاریخ است. این واقعیت ما را در انجام وظایف تاریخی خویش شور و امید باز هم بیشتری بخشیده است.

جنبش کمونیستی ایران با تکیه بر نیروی لایزال طبقه کارگر و توده‌های به پا خاسته و با تجهیر هر چه بیشتر به اندیشه‌های خلاق مارکسیسـم ـ لنینیسم بی‌گمان همه این دشواری‌ها را از پیش پای برخواهد داشت و ایران مستقل، آزاد و دمکراتیک فردا را سمان خواهدنهاد و در اتحاد با رحمتکشان سراسر جهان و بر ویرانه‌های این نظم منفور سرمایه‌داری، دنیائی را حدا از فقر، ستم و استثمار، دنیای انسان واقعا آزاد فردا را بی خواهد افکند. نسل ما مرگ علیه امپریالیسم را جنس خواهد گرفت.

نسیمی که بر فراز جهان ما وزیدن گرفته است، تحقق رویائی کهن، رویای شیرین و شورانگیز رهایی انسان رحمتکش را در دل دارد.

درود بر شهدای ۸ تیر درود بر همه شهیـــدان خلـــق
مستحکم باد وحدت رزمنده انقلابیون کمونیست ایـــران
مستحکم باد اتحاد عمل‌همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند
برقرار باد صلح عادلانه در کردستان
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکـــا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۸ سپتـــامبـــر ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۳

اطلاعیه بخشی از . . .

طبقه کارگر را در میهنمان هر چه مستحکمتر برافراشته نگهدارد.

اکنون بعد از گذشت چهار سال از حمله وحشیانه و جلادان ننگ خائنکار و سرمایه‌داران وابسته به خانه تبهی و مقاومت و شهادت رفقای فدائی حمید اشرف، محمد حسین عفور، یوسف تابع خنک سیحاری، محمد رضا بنیری، طاهره خرم، علی اکبر وبری، غلامعلی خراط پور، غلامرضا لایـــق مهرباس، محمد مهدی فوادی در اینجا گرد آمده‌ایم تا ضمن پشتیبانی از مواضع اصولی و انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران عهد و میثاق خود را با شهدای به خون خفته خود مستحکم کرده و سوگند یاد کنیم که ما خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستیم و با تمام توان خود در راه آرمان طبقه کارگر ایران و تودهای میهن‌مان گام برداریم.

مستحکم‌تر باد صفوف رزمنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایـــران
برافراشته باد پرچم رزم طبقه کارگر انقلابی ایران
مرگبار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا
ازطرف بخشی ازخانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایـــران
۸ شهـــریـــور ۱۳۵۹

گرامی باد یاد شهدای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۵
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حزب توده": حل رفرمیستی و...

برای انقلاب سوسیالیستی کامل تلاش کند، باید هدف ثابت و دائمی ما باشد، هدفی که لحظه‌ای هم نباید از آن غفلت نمود، لیکن به این مجوز از جنبش دهقانی روی برگرداندن یا مایگی و فضل فروشی محض خواهد بود. خیر، در ماهیت انقلابی و دمکراتیک این جنبش شک نمی‌توان داشت و ما باید از آن پشتیبانی کنیم، آن را بسط دهیم، به جنبشی برخوردار از آگاهی سیاسی مبدل سازیم. آن را به جلو سوق دهیم و همگام با آن تا انتها برویم ـ چرا که ما از آنتهای هر جنبش دهقانی بسیار بیشتر می‌رویم. درست تا انتهای تقسیم جامعه به طبقات پیش خواهیم رفت".

"مارکس درباره توزیع مجدد عمومی" در امریکا : لنین

"حزب توده" "آماده باش" خود تنها به تبلیغ و تعقیب شیوه‌های بوروکراتیک در حل مساله ارضی اکتفا ننموده است. ایدئولوگهای "حزب" ! تقسیم زمینها را کعبه آمال خود قرار می‌دهند، تو گوئی معضلات ارضی با تحقق قانون تقسیم زمینها، یعنی با توزیع مجدد زمین به نقطه پایانی خود خواهد رسید و به اصطلاح "حق به حق دار" می‌رسد. آنها تقسیم زمینها را به "شیوه‌ای که در قانون اساسی" اصلاحات ارضی مطرح است همان چیزی می‌دانند که یکره مساله ارضی را در ایران حل خواهد نمود.

مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ در مرحله فعلی خواست انقلابی زحمتکشان روستا و یکی از انگیزه‌های مهم مبارزاتی آنهاست. لیکن عوامفریبی محض خواهد بود اگر این ایده به میان دهقانان برده شود که گویا با تقسیم زمین‌ها، فقر و ستم و نابرابری حاکم بر روستاها از میان خواهد رفت. این فریب توده‌هاست که به آنها بگوئیم که با تقسیم زمین‌ها "حق به حق دار می‌رسد". "حزب توده" آگاهانه این واقعیت بدیهی را لاپوشانی میکند تا زمانی که مناسبات سرمایه‌داری بر جامعه ما حکفرماست، تازمانی که تولید و مبادله کالایی در میهنمان غلبه دارد، زمین یک کالا خواهد بود و بنابراین هیچ یک از قوانین قانونگذاران نمی‌تواند آن را ندارد که از تمرکز مجدد آن جلوگیری به عمل آورد. به فرض آنکه قانون اصلاحات ارضی معجزه‌گر "توده‌ای‌ها" زمین را به دقیق‌ترین شکل ممکن هم توزیع کند، باز ارزش قطعات زمین را به مساحت آنها که حاصلخیزی‌شان و کیفیت کاری که روی آنها صورت می‌گیرد تعیین خواهد کرد. به همین اعتبار هیچ قانون و دولتمردی قادر نخواهد بود که از رشد نابرابری طبقاتی و از بروسه سلب مالکیت مجدد از روستائیان جلوگیری به عمل آورد. این از ذات جامعه سرمایه‌داری بر می‌خیزد و واقعیت حرکت مناسبات سرمایه‌داری وابسته در جامعه ما انتهی خرده بورژوا نمودن همه دهقانان را به سرعت در هم خواهد شکست. طرح "اصلاحات ارضی" اگر بسیار خوشبینانه برخورد کنیم در پی تحقق چنین اتوپیائی است. کسانی که نظیر ایدئولوگهای "حزب توده" ـ که بیش از هر کس دیگر لاف مارکسیسم می‌زنند ـ آگاهانه این توهم را با قصد نهایی وانمود می‌سازند جز مضحکه تحقیرآمیز، احساسی را در انقلابیون کمونیست بر نمی‌انگیزند.

مارکس در برخورد با "کریز" ـ کمونیستی که می‌خواست مساله ارضی را در امریکا با خرده‌بورژوا کردن دهقانان حل کند ـ این مهم را با تیزبینی علمی و تفکر داهیانه خاص خود می‌شکافد. او می‌گوید:

" کریز تصور می‌کند که می‌تواند با قانونگذاری ازپیامدهای ضروری این سهمیه بندی ـ تمرکز، پیشرفت صنعتی و امثالهم ـ خلاصی یابد. او ۱۶۰ جریب را کمیت لایتغیری می‌انگارد. گویی ارزش چنین ساحتی بر حسب کیفیت آن تغییر نمی‌کند. دهقانان مجبور خواهند بود که محصول زمین، اگر نه خود آن را میان خود و با دیگران مبادله نمایند و به اینجا که رسید به زودی متوجه‌خواهند شد که یک "دهقان" حتی یک دهقان بدون سرمایه به برکت کشش و حاصلخیزی بیشتر ۱۶۰ جریبش موقعیت همقطار دیگری را تنزل داده و او را فعله‌ٔ خود ساخته است، بعلاوه چه اهمیتی دارد که آیا این زمین است که به دست دلالان حریص می‌افتد یا محصول زمین؟" ■

(مارکس درباره "توزیع مجدد عمومی" در امریکا : لنین)

شک نیست که تحقق طرح اصلاحات ارضی و تقسیم مجدد زمین‌ها، از آنجا که مستقیما حاصل مبارزات زحمتکشان روستا و تلاش عناصر مترقی درون هیئت حاکمه است، گامی است به نفع گسترش مبارزه طبقاتی در روستاهای میهنمان و به این اعتبار باید مورد حمایت انقلابیون کمونیست قرار گیرد. مصادره زمین زمینداران بزرگ و تقسیم آن در میان روستائیان بی زمین وکم زمین، در همان حد و مرز مشخصی که قانون اصلاحات ارضی بدان می‌پردازد، نتیجه مبارزات پرشکوه شوراهای دهقانی ترکمن صحراو در مجموع مبارزه گسترده‌ای است که اکنون سراسر روستاهای ایران را در بر گرفته است. انقلابیون کمونیست هیچ وحشتی از اعلام حمایت از اجرای این طرح ندارند. درست است که طرح به غایت خرده‌بورژوائی است، اما اگر آن را به مثابه یکی از دستاوردهای مبارزاتی توده‌های روستایی در نظر آوریم، بدون شک تحقق آن را گامی در جهت تعمیق و گسترش مبارزه طبقاتی در ده خواهیم یافت.. برای انقلابیون کمونیست اجرای قانون اصلاحات ارضی اگر چه تنها بخش کوچکی از خواست‌های دهقانان را برآورده می‌سازد، از این نظر اهمیت دارد که ضربه‌ای بر پیکر مالکیت ارضی است که به قول لنین:

" نواختن ضربه‌های ناگزیر بعدی بر مالکیت بطور اعم را تسهیل خواهد کرد". " عمل انقلابی طبقه فرودست برای ایجاد تغییری" است که رونق و رفاهی موقت به بار خواهد آورد و آن هم نه به هیچ وجه برای "حمله" و "موجب تسهیل عمل انقلابی ناگزیر و بعدی فرودست‌ترین طبقه برای ایجاد آن تغییری می‌شود که سعادت کامل بشری را برای همه رنجبران واقعا تضمین نماید".

"حزب توده" درست در نقطه مقابل این موضع اصولی، اجرای طرح اصلاحات ارضی را غایت مطلوب قلمداد می‌کند و به این ترتیب یک بار دیگر ماهیت اپورتونیستی ـ رفرمیستی‌اش را به نمایش می‌گذارد.

ایدئولوگهای "حزب توده" در مقاله "آماده باش..." قدرت خود را در تحریف قوانین و گرایشات ذاتی جامعه سرمایه‌داری به وضوح نشان می‌دهند. انها در حرف از آرمان طبقه کارگر می‌گویند، از پیشروی به سمت سوسیالیسم سخن می‌رانند و در عمل ایده بورژوایی خرده‌بورژوا شدن همه دهقانان را غایت مطلوب کمونیست‌ها جلوه می‌دهند. این همان موضعی است که لنین در رد آن می‌گوید:

سوسیال دمکرات‌ها بکرات متذکر شده‌اند که جنبش‌دهقانی وظیفه دوگانه‌ای را در مقابل آنان قرار می‌دهد. بی‌تردید ما باید از این جنبش، تا آنجا که جنبش انقلابی ـ دمکراتیک است پشتیبانی کرده آن را به جلو سوق دهیم. در عین حال باید با قاطعیت و بدون کوچکترین انحرافی موضع طبقاتی و پرولتری خود را حفظ کنیم. باید پرولتاریای روستا را مانند پرولتاریای شهر و به همراه آن در یک حزب طبقاتی مستقل متشکل نمائیم. باید به پرولتاریای روستا توضیح دهیم که منافعش با منافع بورژوازی دهقانی در تعارض است، باید پرولتاریای روستا را به پیکار برای انقلاب سوسیالیستی فرا خوانده و برایش روشن سازیم که سرّ رهایی از فقر و ستم نه در تبدیل بخش‌هایی از دهقانان به خرده‌بورژوا، بلکه تنها در جانگزینی کل نظام بورژوایی با نظام سوسیالیستی نهفته است" ■

(پرولتاریا و دهقانان : لنین)

"حزب توده" با تبلیغ اینکه همه نبردها و حق‌طلبی‌های دهقانان با اجرای کامل قانون تغییر آن داشته باشد، در واقع رفرمیسم در حل مساله ارضی را تبلیغ می‌کند. "حزب توده" در عرصه مبارزه طبقاتی روستا نیز نظیر تمامی عرصه‌های دیگر این مبارزه برجمدار رفرمیسم و بوروکراتیسم است.

■ ـ کریز معتقد بود که با تخصیص سهمیه معینی ۱۶۰ جریب ـ برای افراد و برقراری تضمین‌های قانونی به منظور حفظ این سهمیه بندی، مساله ارضی و فقر و تنگدستی و نابرابری در امریکا از میان خواهد رفت.

"حزب توده" آگاهانه این واقعیت بدیهی را لاپوشانی می‌کند تا زمانی‌که مناسبات سرمایه‌داری بر جامعه ما حکفرماست، تا زمانی که تولید و مبادله کالایی در میهنمان غلبه دارد، زمین یک کالا خواهد بود و بنابراین هیچ یک از قوانین قانونگذاران نمی‌تواند آن را ندارد که از تمرکز مجدد آن جلوگیری به عمل آورد. به فرض آنکه قانون اصلاحات ارضی معجزه‌گر "توده‌ای‌ها" زمین را به دقیق‌ترین شکل ممکن هم توزیع کند، باز ارزش قطعات زمین را به مساحت آنها که حاصلخیزی‌شان و کیفیت کاری که روی آنها صورت می‌گیرد تعیین خواهد کرد.

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۱ خرداد ۱۳۵۹
شماره ۶۵ ـ صفحه ۱۶

در راه خلق فداکار
و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید خرداد ماه

در تاریخ شکوهمند سازمان ما روزها و ماه‌های خونین فراوانی به چشم می‌خورد... روزها و ماه‌هایی که با مبارزه، مقاومت و جانبازی‌های بی‌دریغ فدائیان خلق در راه رهایی طبقه کارگر، نقاط روشنی در تاریخ مبارزات رهایی بخش خلق‌های جهان برجای گذاشته است. خرداد ماه، ماه خونین و افتخار آفرین سازمان ماست. ماهی که رفقای فدائی با گلوله‌های آمریکایی مزدوران سرسپرده رژیم شاه، با مقاومتی قهرمانانه به شهادت می‌رسند و با ابعاد هستی شکوهمندشان، همچون رفقای دیگر سازمان، جان در راه رهایی زحمتکشان می‌گذارند. نامشان جاودانه باد. دمی است که بر پیشانی آسمان می‌گذرد. مشترک ماه نامشان.

- ★ حسن نیک داودی
- ★ حسین سلاحی
- ★ بهروز دهقانی
- ★ رفعت معماران بنام
- ★ عزیز شاهی
- ★ امیر پرویز پویان
- ★ اسکندر صادقی نژاد
- ★ نادر شایگان شام اسبی
- ★ علیرضا شهاب رضوی
- ★ خسرو ترکل
- ★ عبنا طالب زاده شوشتری
- ★ حبیب برادران خروشاهی
- ★ رحمت الله بیرونده‌ری
- ★ سلیمان پیوسته حاجی محله

چگونه می‌توان گرانی را مهار کرد؟

در این روزها کارگران و زحمتکشان میهنمان با یکی از بزرگترین مشکلات زندگی یعنی گرانی مایحتاج عمومی روبرو هستند. بیشترین فشار ناشی از گرانی و کمبابی روی دوش کارگران، دهقانان و زحمتکشان سنگینی می‌کند. در این مدت عمومی‌ترین کالاها یعنی نان، گوشت تخم مرغ، حبوبات، لبنیات و منسوجات که مخارج عمده کارگران و زحمتکشان را به خود اختصاص می‌دهند بیشترین افزایش قیمت را داشته‌اند. قیمت این کالاها ماه به ماه و حتی روز به روز بالا می‌رود و قدرت خرید کارگران و زحمتکشان به سرعت پائین می‌آید. تا نی که به دست زحمتکشان می‌رسد روز بروز کوچکتر می‌شود و میزان خرید گوشت حتی تا چندین برابر کاهش می‌یابد زحمتکشان ما ماهیانه که از خوردن میوه و سبزیجات محرومند...

بیش از یک سال است که مردم زحمتکش میهن ما از گرانی رنج می‌برند. در این مدت آنان با صبر و شکیبائی این فلاکت را تحمل کرده‌اند. چرا که امید آینده‌ای بدور از گرانی و بیکاری و ملو از فراوانی را در سر دارند. اکنون می‌بینند که این مشکلات هنوز لاینحل مانده است.

دولت جمهوری اسلامی از قیام ناکنون، نه تنها طرحی برای کاهش بیکاری گرانی و بحران مسکن ارائه‌نداده است بلکه سیاست‌های دولت خود عملا باعث افزایش گرانی و حتی بیکاری شده است.

در فاصله یک سال گذشته بهای عمومی‌ترین کالاها، بخصوص کالاهایی که قسمتشان در صد بالائی از مخارج خانواده‌های کارگران و زحمتکشان را تشکیل می‌دهد به دو و حتی چند برابر ترقی کرده است. برنج از ۷۵ ریال به ۱۷۰ـ ۱۴۰ ریال، برنج امریکائی (اگرپیدا شود) از کیلوئی ۴۰ریال به ۷۰ ـ ۸۰ ریال، نان (لواش) از هر کیلو ۲۵ ریال به ۴۰ ریال تخم مرغ از ۷۰ ریال به ۱۲۵ ریال ترقی کرده است... ارقام فوق نشان می‌دهد آنچه امروز به دست زحمتکشان می‌رسد، نصف مقداری است که در سال گذشته می‌رسید با وجود این گرانی سرسام‌آور در یک سال گذشته، بنا به تصویب شورای انقلاب، حداقل حقوق کارگران از ۵۶۷ ریال به ۶۳۵ ریال افزایش یافته است. در واقع به حقوق کارگران فقط ۱۲۰ درصد افزوده شده است. در حالی که برای مایحتاج آنها بین ۲۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش داشته است. اکنون مزد روزانه کارگران ما ۶۳۵ ریال است و این در حالی است که خرید یک هفته‌وانه بیش از ۲۰ تومان و کرایه یک اطاق در محلات جنوب شهر بیش از ۸۰۰ تومان است.

امروز افزایش گرانی اساسی‌ترین مایحتاج عمومی، به جایی رسیده‌است که ادامه آن نه تنها سلامت ملیونها زحمتکش و ملیونها کودک ایرانی را در مخاطره قرار داده است، بلکه این وضعیت در بخش‌هایی از مردم که از آگاهی کافی

بقیه در صفحه ۵

اطلاعیه بخشی از خانواده‌های شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت ۸ تیرماه

با درود به سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا، هم میهنان مبهرمان!
عصر ما، عصر نکوهائی سیروهای رهائی بخش خلق‌های تحت ستم، عصر نکوهائی مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک، عصر رهائی کارگران، زحمتکشان شهر و روستا از چنگال خونین ارتجاع و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا می‌باشد.

تجربات ... ارزشمند مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های جهان که دستاورد بلائی و فداکاری‌های هزاران انقلابی و فدائی خستگی ناپذیر می‌باشد، بیانگر این واقعیت است که پیروزی انقلاب شکوهمند بارور و

بقیه در صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میتینگ بزرگداشت ۸ تیر را به روز دیگری موکول کرد

ما همیشه یارها اعلام کرده‌ایم راه معامله با باندهای سیاه و جاهلدارانی که به مسلک و راهمیائی گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی حمله می‌کنند، دستگیری، مجازات و سلاخی کردن آنها، ولی مقامات دولتی تاکنون نه تنها هیچ اقدام عملی و جدی جهت دستگیری، مجازات و سلاخی کردن بلکه با جلوگیری و لو راهمیائی و مسلک سازمان‌های سیاسی دون جاهلداران و باندهای سیاه تیز می‌گردند. ما ضمن محکوم کردن لغو مسلک ۸ تیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از طرف وزارت کشور، یارنگر اعلام می‌کنیم که سیاه راه، جلوگیری از درگیری و نشنج، دستگیری، مجازات و سلاخی کردن گروه‌های جاهلدار و باندهای سیاه است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۸ تیرماه ۱۳۵۹

چه کسانی مبارزه ضد امپریالیستی را پیش می‌برند

شوراها یا مدیران؟

یارها گفته و ثابت کرده‌ایم که گسترش و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک میهن ما اساسا به میزان تشکل‌های توده‌ای کارگران و زحمتکشان است و اینکه: «بر سنگر شوراها و تحکیم آن در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا، عناصر ضد شورائی و ضد انقلابی که در پوشش دفاع از شوراها، شعار «تمام قدرت به شوراها» و «همه قدرت به شوراهای ضد شورائی و ضد انقلاب» سر می‌دهند و با تحریف و وارونه جلوه دادن شعار «همه قدرت به شوراها» و با تبلیغات ضد شورائی و ضد انقلابی خود در واقع به تضعیف شوراها و تقویت ضد انقلاب کمک می‌کنند را افشا کنیم.

بقیه در صفحه ۵

سیاست آموزش و پرورش در اخراج معلمین مبارز درخدمت چه کسانی است؟

در صفحه ۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر